

دکتر تد هیلدبرانت، تاریخ عهد تجدید، ادبیات، و الهیات، سخنرانی ۶

© 2020 ، دکتر تد هیلدبرانت

این دکتر تد هیلدبرانت است که تاریخ، ادبیات و الهیات عهد عتیق را تدریس می کند. سخنرانی شماره شش در مورد شجره نامه ای که با گاهشماری، تصویر خدا و دو درخت در باغ عدن برابر نیست.

A. پیش نمایش آزمون [3:26-00:00]

برای این هفته، شما بچه ها در حال کار بر روی خروج هستید و باید 20 فصل یا چیزی تا ده فرمان بخوانید. پس از آن فصل های انتخابی آن را انتخاب می کند تا مجبور نباشید همه چیز را بخوانید. اساساً، شما بسیاری از توضیحات خیمه را نادیده می گیرید. دو مقاله برای این هفته وجود دارد، یکی توسط مردی به نام بروس والتکه است که یک محقق فوق العاده در مورد شواهد باستان شناسی از فلسطین در زمان جاشوا است. بنابراین فکر می کنم برای شما جالب خواهد بود. حالا، این مهم است زیرا این هفته دو مقاله وجود دارد: یکی مقاله ای که شما مسئول آن خواهید بود، مقاله دیگری که به سادگی از شما می پرسم که آیا مقاله والتکه را خوانده اید. من قصد ندارم جزئیاتی از مقاله والتکه از شما بپرسم، جزئیات زیادی در آنجا وجود دارد. من فقط می خواهم از شما بخواهم که آن را بخوانید. حالا در مورد مقاله "داماد خونین"، این همان چیزی است که می خواهم روی آن تمرکز کنید. بنابراین در مورد آن یکی من از شما سوالات خاصی می پرسم؟ بنابراین "داماد خونین" روی آن تمرکز می کند، دیگری فقط خوانده شده است. سپس چند آیه خاطره وجود دارد. من فکر می کنم آیات حافظه واقعا سخت هستند. مزبور 23 چیست؟ فکر می کنم با این شروع می شود که "خداوند شبان من است" ممکن است چند بار آن را شنیده باشید. بنابراین می خواهم بدانید که "خداوند شبان من است." به هر حال، این یک مزبور واقعا مهم است و شما باید آن را بدانید. واقعا مفید است. این فقط یک مزبور بسیار خوب برای یادگیری است. یک چیز دیگر در مورد متریال های این دوره که اکنون دو برابر شده ایم. برخی از شما هنوز هزینه مواد این دوره را پرداخت نکرده اید و بنابراین اکنون بیست دلار است. من نمی خواهم شما را تعقیب کنم. بعد از جمعه، شرکت در آزمون ها و امتحانات تمام شده است. شما باید آن را به نمره خود تبدیل کنید یا شروع به بریدن می کند، می دانید که نمی توانید در آزمون ها شرکت کنید و نمی توانید در امتحانات شرکت کنید. بنابراین شما باید آن را در این هفته دریافت کنید، این یک گزینه نیست. بسیار خوب، بیایید با یک کلمه دعا شروع کنیم و سپس امروز به کتاب پیدایش شیرجه می زنیم و راه را طی می کنیم.

ای پدر، ما از تو برای مهربانی تو نسبت به ما سپاسگزاریم و از تو برای زیبایی که در پاییز در نیوانگلند به سراغ ما می آید سپاسگزاریم. برای هوای با طراوت و ما فقط از شما برای آن تشکر می

کنیم. ما از قول شما سپاسگزاریم، از اینکه صحبت کردید، آن را نوشتید و اکنون به ما این امتیاز را می‌دهید که آن را بخوانیم. ما دعا می‌کنیم که شما بتوانید به ما کمک کنید تا سعی کنیم آن را تفسیر کنیم تا بتوانیم آن را درست درک کنیم. ما دعا می‌کنیم که ما را به سمت شما راهنمایی کند تا شما را جلال دهید و به شما احترام بگذاریم، شما را با دقت بیشتری پرستش کنیم و از پسر که برای ما دادی قدر دانی کنیم. پس امروز در اکتشافات خود به ما کمک کنید. از شما متشکریم که حتی امروز می‌توانیم شما را "پدر" صدا کنیم. به نام گرانبهای مسیح دعا می‌کنیم، آمین.

B. زمین چند ساله است؟ آزمون ارتدکس نیست [4:58-3:27]

ما می‌خواهیم با پرسیدن این سوال شروع کنیم: کتاب مقدس می‌گوید زمین چند ساله است؟ ما در این مورد بسیار بحث کرده ایم و پاسخ به این سؤال: کجای کتاب مقدس می‌گوید که زمین چند ساله است؟ هیچ آیه ای در هیچ کجای کتاب مقدس وجود ندارد که بگوید زمین دقیقاً چند ساله است. بنابراین شما باید از خود چند سوال پرسید که چقدر می‌خواهید از این موضوع کار بزرگی انجام دهید. ما می‌خواهیم با گفتن این جمله شروع کنیم، اگر کتاب مقدس به طور خاص نمی‌گوید که زمین چند ساله است، آیا باید مراقب باشید که آن را به یک آزمایش ارتدکس تبدیل کنید؟ حالا منظور من از "آزمون ارتدکس" این است: آیا می‌خواهید کلیساها را بر سر این مسئله تقسیم کنید که زمین چند ساله است؟ حالا، به هر حال، آیا برخی از کلیساها بر سر این موضوع تقسیم شده اند؟ آیا این موضوع اشتباه است؟ این مسئله اشتباه است زیرا افراد مختلف نظرات متفاوتی خواهند داشت و این فقط نظرات آنهاست زیرا کتاب مقدس به ما نمی‌گوید که زمین چند ساله است. بنابراین می‌خواهم بگویم که سن زمین نباید آزمونی برای ارتدکس باشد زیرا یک آیه واضح در کتاب مقدس وجود ندارد که بگوید زمین چند ساله است. همه اینها حدس و گمان است. شما می‌توانید حدس و گمان خود را داشته باشید، می‌توانید تمام دلایل خود را داشته باشید اما هنوز حدس و گمان است. شما در این مورد "خداوند چنین می‌گوید" ندارید. بنابراین باید عقب نشینی کنید و متوجه شوید: آیا حدس های شما می‌تواند اشتباه باشد؟ من می‌گویم، حدس های شما می‌تواند اشتباه باشد.

ج. علم و کتاب مقدس [7:56-4:59]

البته شوخی می‌کنم، زیرا در دوره کلاس بعدی چیزهایی را به شما نشان خواهم داد که در طول سال ها نظرم را تغییر داده ام. من طرز تفکر خود را در مورد چیزها تغییر داده ام. پس مراقب آن باشید. شما باید مراقب باشید که علم را به کتاب مقدس سوق دهید و علم را از آن بیرون بکشید. در اینجا چند نمونه آورده شده است. فکر می‌کنم دفعه قبل به برخی از این موارد اشاره کردیم. "زهر" در مزمور 140، آیه 3. مزمور 140 زیباست. اگر حیوانات را دوست دارید، مزمور 140 مزمور شماس است. مزامیر فصل 140 آیه 3 در مورد سم آسپ ها در زیر زبانش صحبت می‌کند. حالا این مارها، مارها و آسپ ها

هستند. وقتی مار زنگی شما را نیش می زند، آیا به این دلیل است که سم زیر زبانش است یا سم در دندان های نیش است؟ در دندان های نیش است. پس این یک توصیف شاعرانه است، آیا این به معنای علمی است که همه آسپ ها، سم خاصی زیر زبان خود دارند؟ نکته این نیست. بنابراین باید مراقب باشید که علم را به داخل یا خارج از کتاب مقدس سوق دهید. این یک توصیف شاعرانه است، قرار نیست به عنوان یک توصیف علمی در نظر گرفته شود. اینجا در اشعیا فصل 11، آیه 12؛ در مورد "چهار گوشه زمین" صحبت می کند. باز هم نمی توانید بگویید: همه آنها به زمین مسطح اعتقاد داشتند، بنابراین کتاب مقدس زمین مسطح را تعلیم می دهد. شما به نکته اشتباهی می رسید. آنچه می گوید در سراسر زمین، چهار گوشه زمین است. به هر حال، حتی در قرن بیست و یکم، ما در مورد چهار گوشه زمین صحبت می کنیم. مردم از چهار گوشه زمین آمدند تا برای 11 سپتامبر به شهر نیویورک بروند - از چهار گوشه زمین. تنها چیزی که ما در مورد شمال، جنوب، شرق، غرب است. ما بیانیه ای نمی دهیم که زمین مسطح است. بنابراین شما باید مراقب آن باشید. ایوب فصل 9 آیه 6 درباره ستون های زمین صحبت می کند. باز هم، این یک توصیف علمی نیست، یک توصیف الکترومغناطیسی از نحوه تعادل زمین نیست. ایوب وقتی صحبت می کند از الکترومغناطیس اطلاعی ندارد. این فقط یک روش شاعرانه برای گفتن این است که زمین پایدار است، "بر روی ستون ها قرار گرفته است." بنابراین شما باید مراقب باشید که مقداری از این اشعار را ببردارید و علم را به کتاب مقدس منتقل کنید یا علم را از کتاب مقدس بیرون بکشید.

خورشید ثابت می ماند، ما باید در مورد آن در یوشع 10 صحبت کنیم. مشکل در آنجا درک معنای آن از "ایستادن" است. کلمه آنجا در واقع ممکن است به معنای "خاموش" باشد و بنابراین ما باید در مورد آن صحبت کنیم و وقتی به کتاب یوشع برسیم به آن خواهیم پرداخت. اینجا حدود سه هفته جلوتر از من است. اکنون، نکته من مازور در رشته های اصلی است، جزئی در خردسالان. سن زمین یک نکته جزئی است. در این مورد تخصص نداشته باشید و نگرش خود را بررسی کنید. وقتی کسی با شما مخالف است، آیا می توانید اختلافات را مدیریت کنید؟ این واقعا مهم است. وقتی با مردم در برخی از این نکات الهیاتی اختلاف نظر دارید، چگونه با آنها رفتار می کنید؟

D. شجره نامه گاهشماری نیست [10:00-7:57]

این یک نکته بزرگ دیگر است: شجره نامه. چگونه برخی از مردم به این نتیجه می رسند که تاریخ زمین اولیه ده تا بیست هزار سال قدمت دارد. مردم از شجره نامه ها استفاده می کنند و کاری که انجام می دهند این است که شروع به جمع کردن سن می کنند - این مرد نهصد سال زندگی کرد، این مرد نه یا شصت و نه سال زندگی کرد، این مرد زندگی کرد... و آنها تمام شجره نامه ها را جمع می کنند. شما در نهایت با جمع کردن شجره نامه ها تعیین می کنید که زمین چند ساله است. آیا می توانید این کار را انجام دهید؟ آیا شجره نامه ها قرار است به ما گاهشماری بدهند؟ گاهشماری مربوط به کرونوس ها که در

یونانی "زمان" است. شجره نامه چه ربطی به آن دارد؟ پدر-پسر، پدر-پسر یا هر چیز دیگری در خانواده به این شکل پایین می آید. گاهشماری و شجره نامه دو چیز متفاوت هستند. شما نمی توانید آنها را مخلوط کنید و من به شما نشان می دهم که چگونه یکسان نیستند. بنابراین دو شجره نامه بزرگی که مردم سعی می کنند سن زمین را تعیین کنند، پیدایش 5 - شجره نامه آدم. و سپس پیدایش 11 با شجره نامه ای که از نوح تا زمان ابراهیم می آید. بنابراین آنها این اعداد را جمع می کنند که این بچه ها چند سال زندگی می کردند. مشکل آن این است که اگر شجره نامه را جمع کنید، در نهایت به 4004 سال قبل از میلاد به عنوان تاریخ خلقت جهان خواهید رسید. اگر شجره نامه ها را مانند اسقف آشر جمع کنید، به این نتیجه می رسید که زمین در 4004 سال قبل از میلاد خلق شده است. چرا نمی تواند اینطور باشد؟ اگر زمین در 4004 سال قبل از میلاد ایجاد شده باشد، حداقل هزار سال بعد به سیل نیاز دارید زیرا بسیاری از این افراد حداقل 900 سال عمر می کنند. حالا اگر اهل 4000 سال قبل از میلاد هستید، به زمانی رسیده اید که سیل رخ داده است؟ 3000 سال قبل از میلاد یا در محدوده 2000. مشکل آن چیست؟ آیا ما سوابق مکتوب به 3000 سال قبل از میلاد از بین النهرین و مصریان داریم؟ بنابراین نمی تواند باشد. به هر حال، برجی وجود دارد که احتمالا به بزرگی آن دو ستون در اریحا است که ده هزار سال قدمت دارد. اگر آن برج در اریحا مربوط به 8000 سال قبل از میلاد است، چگونه می توان زمین را در 4000 سال قبل از میلاد ایجاد کرد؟ می دانید چه می گویم؟ آیا خدا برج را آفرید؟ متاسفم، قرار بود شوخی باشد. خدا برج را نساخت. انسان ها این برج را در 8000 سال قبل از میلاد ساختند، بنابراین شما باید واقعا مراقب آن باشید.

E. متی 1: شجره نامه برابر با گاهشماری نیست، نام ها نادیده گرفته شده اند [16:25-10:01]

حالا بگذارید این را به شما نشان دهم. اگر کتاب مقدس خود را دارید، به متی 1 بروید و من شجره نامه عیسی مسیح را به شما نشان خواهم داد. آیا حفره هایی در شجره نامه عیسی مسیح وجود دارد؟ بله. پس شما به متی 1، آیه 8 نگاه کنید، می گوید که سلیمان پدر رحبعام، رحبعام پدر ابیا، ابیا پدر آسا بود، و سپس آیه هشت: آسا پدر یهوشافاط و یهوشافاط پدر یهورام بود. سپس می گوید که یهورام پدر عزیا در آیه هشت بود. متی فصل 1 آیه 8 می گوید که یهورام پدر عزیا بود، آیا این اشتباه است؟ آیا یهورام پدر عزیا بود؟ و پاسخ این است که "نه"، او نبود. یهورام پدر عزیا نبود. حالا این یک واقعیت است، چه با من موافق باشید و چه مخالف، هیچ تفاوتی نمی کند. این یک واقعیت است. یهورام پدر عزیا نبود، او پدر بزرگ بزرگ بود. سه نام وجود دارد که بین یهورام و عزیا نادیده گرفته می شوند. شما می گویند، "شما اینجا واقعا جزمی صحبت می کنید هیلدبرانت، از کجا این را می دانید؟" خوب، من چیزی نمی دانم. من به کتاب مقدس می روم. اگر به اول تواریخ 3: 11 بروید، نام سه پادشاهی را که بین یهورام و عزیا بودند به ما می گوید. این سه پادشاهی را که رد شده اند فهرست می کند و نام آنها عبارتند از: اخزیا،

یوآش و امصیا. بنابراین سه نام نادیده گرفته می شود. حالا چرا متیو از سه نام صرف نظر می کند؟ او در لیست پادشاهان اسرائیل پایین می آید، آیا اکثر یهودیان پادشاهان اسرائیل را می شناسند؟ ما پادشاهان را در این کلاس حفظ نمی کنیم، اما اکثر یهودیان همه پادشاهان را می شناسند و می دانستند که این سه نام نادیده گرفته شده اند. چرا متیو این کار را کرد؟ بگذارید شما را بخوانم و به آیه ۱۷ بپردازم. این را بررسی کنید: متی ۱:۱۷. "از ابراهیم تا داوود چهارده نسل وجود دارد." تاریخ ابراهیم تقریباً چه بوده است؟ - ۲۰۰۰ قبل از میلاد. دیوید چیست؟ - ۱۰۰۰ سال قبل از میلاد. «از ابراهیم تا داوود چهارده نسل وجود دارد. چهارده نسل از داوود تا تبعید به بابل وجود دارد. بنابراین از داوود، ۱۰۰۰ سال قبل از میلاد تا ۵۸۶ قبل از میلاد اسارت بابلی، چهارده نسل وجود دارد. سپس می گوید که چهارده نسل از "تبعید به بابل تا مسیح" وجود دارد. پس چهارده نسل از ابراهیم تا داوود، چهارده نسل از داوود تا تبعید بابل، و چهارده نسل از تبعید تا عیسی وجود دارد. متیو چگونه باعث شد که چهارده، چهارده و چهارده ساله شود؟ حدس بزنید چه، او این کار را با حذف سه نام انجام داد. آیا شما بچه ها در مورد فاکتورهای فاج می دانید؟ من در علم بودم و آنها به این عوامل فاج می گویند. درست کار نکرد، بنابراین سه نام را حذف کردیم تا چهارده نام شود. حالا شما می گویند، او واقعا این کار را نکرد؟ بله، او واقعا این کار را کرد. ما سه نامی را که او رد کرد می دانیم. حالا چرا او این کار را کرد؟ یک پیشنهاد، و من فکر می کنم در واقع پیشنهاد خوبی است: در انگلیسی ما چه کاری انجام می دهیم؟ آیا حروفی دارید که کلمات را بسازند؟ آیا اعداد ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ با حروف a، b، c متفاوت هستند؟ بنابراین ما دو سیستم مختلف داریم - اعداد و حروف. آیا می دانید که یهودیان از الفبای خود برای اعداد خود استفاده می کنند؟ حالا سوال: آیا این یک مشکل است؟ بنابراین "۱" a است، "۲" b است، "۳" c است، "d" همان ۴ است، "e" هر اتفاقی که می افتد. حروف و اعداد آنها می تواند در نقاطی مشکل ایجاد کند؟ گاهی اوقات شما نمی دانید که آیا به یک عدد نگاه می کنید یا به یک کلمه نگاه می کنید. خیلی جالب است که اگر حرف عبری را برای "d" که ۴ است، "v" ۶ را در نظر بگیرید، و "d" را ۴ بگیرید و آنها را با هم جمع کنید: ۴ به علاوه ۶ به علاوه ۴ دارید، این چیست؟ چهارده. این دی وی دی کیست؟ دیوید. بنابراین پیشنهاد در اینجا این است که متی می گوید: عیسی مسیح پسر کیست؟ پسر داوود، چهارده، چهارده، چهارده، داوود، داوود، داوود. آیا می بینید که او چه کار می کند؟ او آن سه را رها می کند تا چهارده شود زیرا این همان چیزی است که او بود. اگر متوجه نشدید، او به صراحت در آیه اول می گوید: "ثبت شجره نامه عیسی مسیح، پسر داوود." سپس او آن شجره نامه را می سازد تا آن را نشان دهد. حالا، به هر حال، آیا اشکالی ندارد که سه نام از این قبیل را کنار بگذاریم؟ کلمه "پدر" نیز به معنای "جد" است. عیسی مسیح، پسر داوود، آیا کلمه "پسر" در آنجا استفاده می شود؟ از داوود تا عیسی چقدر است؟ عیسی صفر بود، درست است؟ دیوید ۱۰۰۰ سال قبل از میلاد است. خب هزار سال در آنجا وجود دارد. عیسی واقعا صفر

نبود. من فقط این را می گفتم تا ببینم آیا کسی لبخند می زند یا خیر. بنابراین شما هزار سال به زمان عیسی رسیدید. پس "عیسی مسیح، پسر داوود"، او چه بود؟ او از "نوادگان" داوود بود. پدر عیسی مسیح مستقیماً داوود نبود. پدرش خدا و روح القدس بود. اما می دانید که من چه می گویم، داوود از طریق مریم جد او بود. بنابراین این چیزی است که من فکر می کنم در آنجا اتفاق می افتد. بنابراین تنها چیزی که می خواهم بگویم این است: آیا ما با اطمینان می دانیم که حفره هایی در شجره نامه وجود دارد؟ بله. شما نمی توانید از شجره نامه برای ایجاد گاهشماری استفاده کنید. ممکن است سوراخ هایی وجود داشته باشد. چه کسی می داند این سوراخ ها چقدر می توانند طول بکشند؟ بنابراین این شما را با 4004 سال قبل از میلاد باقی می گذارد. امروز هیچ این را نمی پذیرد. این کاری است که اسقف آشور در گذشته انجام داد. امروز هیچ این را باور ندارد زیرا به عنوان مثال، در اریحا ما بقایای اریکو داریم که به 8000 سال قبل از میلاد باز می گردد و بنابراین 4004 قبل از میلاد نمی تواند درست باشد. ما متوجه می شویم که در شجره نامه ها وقتی می گوید "پدر/پسر" ممکن است شکاف های بزرگی وجود داشته باشد. او ممکن است پدر بزرگ بزرگ فلان و فلان باشد. پس مراقب آن باشید.

F. الگوهای ادبی در پیدایش 1: تحقق فرمان [18:54-16:26]

حال، در کتاب پیدایش، ما در مورد فصل اول صحبت می کنیم. در اینجا چند الگو وجود دارد و من می خواهم دو الگو را به شما نشان دهم. اینها از نظر الگوهای پیدایش 1، روزهای خلقت به نوعی جالب هستند. این الگوی فیات تکمیل نامیده می شود و اینجاست. ببینید آیا این را تشخیص می دهید یا خیر. بارها و بارها اتفاق می افتد. این پیدایش 1 است - هفت روز پیدایش. آیا هفت روز پیدایش را به یاد دارید؟ همیشه شروع می شود: "و خدا گفت"، یک اعلام. سپس یک فرمان «و خدا گفت بگذار وجود داشته باشد، چه؟» بگذارید نور وجود داشته باشد. «روز دوم، بگذارید چه چیزی وجود داشته باشد؟ فلکی در بالا که آبهای بالا و آب های پایین را از هم جدا می کند. بگذار زمین خشک بالا بیاید، بگذار آسمانها خورشید، ماه و ستارگان را بیرون بیاورند. بنابراین، "بگذارید وجود داشته باشد." خدا می سازد فرمان. "و خدا گفت"، یک اعلامیه وجود دارد و سپس یک فرمان وجود دارد - "بگذارید وجود داشته باشد." بگذارید نور وجود داشته باشد" و بعد از آن چه می شود؟ سپس گزینه تحقق. خدا گفت، "نور باشد و نور باشد." خدا گفت بگذارید x وجود داشته باشد، این ممکن است راه دیگری برای بیان آن باشد. X بیش از حد غیرشخصی به نظر می رسد، شبیه کلاس جبر به نظر می رسد. اما به هر حال، "بگذارید x وجود داشته باشد و X وجود داشته باشد." روز هر چه بود، شش روز وجود داشت. سپس خدا کار خود را ارزیابی می کند. جالب است. آیا خدا کار خود را ارزیابی می کند؟ بعد از اینکه آن را ایجاد کرد، آیا به گذشته نگاه می کند و آن را ارزیابی می کند؟ او ارزیابی "و خدا دید که (نور، خورشید، ماه و ستارگان) هر چیزی که روی آن کار می کرد، خدا کار او را ارزیابی می کند - "و او دید که خوب است." سپس پایان روز است.

«و غروب بود و روز صبح بود، چی؟ روز 1، 2، 3، 4، 5، 6 یا 7. در روز هفتم، خدا استراحت کرد. و خدا در روز هفتم نگاه کرد و هر آنچه را که ساخته بود دید و چه چیزی بود؟ خیلی خوب (توف معود) "خیلی خوب بود." بنابراین در پایان خدا در مورد همه چیز تأمل می کند. خیلی خوب است. آیا به یاد دارید که این الگو را بارها و بارها در هر یک از روزها دیده اید؟ بنابراین این نوعی ساختار ادبی است که هر روز در آن قرار می گیرد و دیدن سازماندهی آن مفید است. به آن الگوی فیات و تحقق می گویند.

G. الگوی روز موازی [21:58-18:55]

حالا مورد بعدی در واقع این است که چگونه روزهای پیدایش را به یاد می آورم. اگر از شما بپرسم که در روز 5 چه بود، آیا می دانید که در روز 5 چه اتفاقی می افتد؟ آیا می دانید در روز 4 چه کاری انجام شد؟ اینگونه به یاد می آورم: چه چیزی در روز اول خلق شد؟ او گفت: "بسیار خوب، بگذارید نور وجود داشته باشد" در روز اول. حال انسان چه روزی آفریده شد؟ شش. اگر روز اول و ششم را بدانید، تمام روزهای دیگر را دریافت می کنید. در الگوی دوم به شما نشان خواهم داد که چگونه این کار را انجام دهید. مزامیر فصل 33، آیه 6 می گوید: "به کلام خداوند، جهان ها شکل گرفتند" و بنابراین در مورد قدرت کلام خدا صحبت می کند. این کلمه گفتاری است که چیزها را به وجود می آورد. مزامیر فصل 33 آیه های 6 و 9 خلقت را با دهان او توصیف می کنند. بنابراین خدا صحبت کردن را آفرید و این به نوعی چیز جالبی با الگوی Fiat-Fulfillment است. اکنون، این طرح روز موازی است. حالا این واقعا شسته و رفته است و به نوعی همه چیز را از بین نمی برید. این نسبتا آسان است. در روز اول "خدا گفت نور باشد، نور وجود دارد." در روز موازی، در روز چهارم، او چه چیزی را می سازد؟ حامل های نور. نمونه ای از حامل های نور چه می تواند باشد؟ خورشید، ماه و ستارگان. بنابراین در روز اول او نور را می سازد، در روز 4 او حامل های نور را می سازد.

در روز 2 او آب بالا را از آبهای زیر جدا می کند. حالا آبهای زیر چیست؟ اقیانوس ها. آبهای بالا کدامند؟ ابرها. بنابراین او آبهای بالا و آب های پایین را از هم جدا می کند. در روز 5 او ماهی ها و پرندگان را می سازد. ماهی ها کجا زندگی می کردند؟ آب های زیر. پرندگان کجا زندگی می کردند؟ آبهای بالا. بنابراین شما پرندگان و ماهی ها را در آب های بالا و آب های پایین می بینید. در روز 3 او زمین خشک را می سازد و در روز 6 ساکنان زمین خشک را می سازد. برخی از ساکنان سرزمین خشک چه کسانی هستند؟ ما، مردم. بنابراین او انسان می سازد و حیوانات را می سازد. او در روز ششم موجودات خشکی می سازد. بنابراین، به هر حال، اگر بدانید که انسان ها و موجودات خشکی در روز 6 ساخته می شوند و روز 1 نور است. آیا می دانید روز 4 چیست؟ بله، این حامل های نور هستند. اگر بدانید روز 6 او موجودات خشکی را می سازد، می دانید روز 3 چیست، خشکی خشک. و سپس در وسط شما چه چیزی دارید؟ آبهای بالا و آبهای پایین، ماهی ها و پرندگان. می بینید که همه اینها چگونه کار می

کند؟ امیدوارم اینجا فقط رویا نبینم زیرا این کار را واقعا آسان می کند. اگر روز اول و آخر را بدانید، به نوعی می توانید بقیه آن را بازسازی کنید. به هر حال، چه روزی را رد کردم؟ در روز سبت، خدا استراحت کرد. سوال، آیا خدا به خاطر خستگی استراحت کرد؟ نه. او استراحت کرد و بنابراین شنبه نه فقط به این دلیل که او شخصا خسته بود، بلکه خدا در مورد چیزها تأمل می کند.

H. شکل دهی و پر کردن [23:14-21:59]

حالا یک چیز دیگر که باید در مورد این نمودار به آن اشاره کنم: در پیدایش، آیا شما پیدایش 1: 2 را به یاد دارید؟ "و زمین تاریکی بود"، و چگونه بگویم، کل بی شکل و خالی بود. یادست زمین بی شکل و خالی بود و تاریکی بود توهم و اوهم. دنیا "بی شکل و خالی" بود، آیا می بینید این روزها چه می کنند؟ در روزهای 1، 2 و 3 - این روزهای شکل گیری هستند. به عبارت دیگر، زمین بی شکل و خالی بود و خدا چه می کند؟ او شکل بی شکل را به خود می گیرد و آنچه را که بی شکل بود شکل می دهد. سپس او چه می کند؟ او آنچه را که خالی بود پر می کند. بنابراین این سه روز اول روزهای تشکیل و سه روز دوم روزهای پر شدن است. بنابراین آنچه بی شکل بود شکل می گیرد، شکل می گیرد. و آنچه خالی بود پر می شود. به هر حال، حتی در مورد انسان ها، او به انسان ها می گوید که ما باید "بارور و تکثیر" باشیم. ما باید با زمین چه کنیم؟ زمین را پر کنید. بنابراین شما این را تشکیل می دهید و حساب ایجاد را پر می کنید. نمی دانم اما این فقط به من کمک می کند تا همه چیز را کنار هم قرار دهم. اگر روز اول و روز ششم را بدانم، بقیه آن را دارم. پس این ساختار روز موازی شش روز خلقت است.

I. تصویر خدا در انسان [31:57-23:15]

حالا، بیایید بپریم و کاری که می خواهم انجام دهم این است که در مورد تصویر خدا در انسان صحبت کنم. بنابراین ما می خواهیم با این نوع سؤالات در مورد تصویر خدا در انسان شروع کنیم. انسان بودن به چه معناست؟ آیا این یک سوال بزرگ امروز است؟ آیا شما در طول زندگی خود با این زمان بزرگ روبرو خواهید شد؟ بگذارید فقط توضیح دهم که چگونه این یک سوال مهم برای شما خواهد بود. اول از همه، آیا انسان یک بخش است یا دو قسمت یا سه قسمت؟ آیا این انسان، جسم، روح و روح است؟ یا فقط جسم، روح/روح است؟ یا برخی از مردم فقط می گویند تنها چیزی که شما هستید بدن است. شما فقط مغز خود هستید، همین. تنها چیزی که هستید بدن فیزیکی شماست. پس انسان چیست؟ چگونه ترکیب شده ایم؟ انسان ها چه تفاوتی با حیوانات دارند؟ ما امروز افرادی را داریم که می گویند: حیوانات را نجات دهید، همه مردم را بکشید. بله، برای برخی، حیوانات در واقع مهمتر از مردم به نظر می رسند. ما چند گروه داریم، من همیشه از PETA بیرون می روم. من همیشه به مردم می گویم که من یک فرد PETA هستم. من فردی هستم که حیوانات خوشمزه می خورم. این معمولا برای برخی از شما خیلی خوب نیست، اما به هر حال. شبیه سازی چگونه در خود جای می گیرد؟ آیا آنها می توانند اکنون

برخی از سلول های شما را بگیرند و در واقع شما دیگری بسازند؟ آیا به یاد دارید که آنها این کار را با یک گوسفند انجام دادند؟ دالی. اگر آنها این کار را با یک شخص انجام دهند چه اتفاقی می افتد؟ آیا این واقعا شما هستید یا اگر شبیه سازی شده باشید واقعا کسی متفاوت است. انسان بودن در آن مرحله به چه معناست و شما بودن به چه معناست؟ سایبورگ ها - آیا انسان ها قطعات بیشتری را از جاهای دیگر دریافت می کنند؟ به عبارت دیگر، ناگهان چیست، پیتز استاین یک کلیه اهدایی دریافت می کند. آیا مردم کلیه ها را به شخص دیگری اهدا می کنند؟ حالا شما در حال قدم زدن هستید و از شخص دیگری کلیه دارید. آیا این شما هستید یا آنها؟ شما چه چیزی دارید؟ قلب هایی که اکنون بین مردم پیوند زده می شوند. لیورز، شما به استیو جابز فکر می کنید، به من گفتند و نمی دانم آیا این درست است که او به سرطان لوزالمعده مبتلا است یا خیر. این واقعا، بیش از حد چیزی است. سرطان لوزالمعده کشنده است. اما آیا جابز کبد گرفت، آیا کسی می داند؟ فکر می کنم او کبد گرفت، اینطور نیست؟ و کبد پیوند زده شد. آیا واقعا خیلی جالب است که آنها کبد را پیوند زدند. به یک معنا، آنها قلب شخص دیگری را به شما پیوند می زنند، آیا واقعا این شما هستید؟ همسر من با این مشکل روبرو است، من او را زن بیونیک خود می نامم. او فقط یک زانو گذاشته بود، بنابراین او اکنون زن تیتانیومی است. او این زانوی تیتانیومی را دارد. بنابراین وقتی او می خواهد به شما لگد بزند، باید دور بماند. او مچ پایش را شکست، بنابراین چند بشقاب در پایش و چند پیچ دارد. بنابراین او همیشه چند پیچ در آنجا گم می شود. من با همسر من به فرودگاه می روم و از اسکنر عبور می کنم و چه اتفاقی می افتد؟ تمام فلزات خود را بردارید. اکنون ما دیگر به فرودگاه نمی رویم به دلیل روشی که وقتی به آنجا می روید دست و پا می گذارید. به هر حال، من این را می گویم و شما بچه ها می خندید، این موضوع خنده دار نیست. پسر من 25 ساله 25 ساله دارد. هر بار که به فرودگاه می روند، هر بار با شماره او تماس گرفته می شود. آیا این به شما سرخی می دهد؟ آیا این شما را عصبانی می کند؟ پسر من در واقع 22 ساعت به عروسی خواهرش رفت تا همسرش مجبور نباشد در فرودگاه معاینه شود. نمی دانم. تنها چیزی که می گویم این است که برخی از کارهایی که TSA اکنون انجام می دهد واقعا مرا آزار می دهد. آنها این کار را به نام ایمنی انجام می دهند، اما این چیزهای بد زیادی است. بگذارید در مورد ماشین های معنوی صحبت کنم. بنابراین چیزی که من می گویم این است که آیا ممکن است اعضای بدن افراد عوض شوند؟ قسمت های مختلف پا و قسمت های بازو و چیزهایی از این قبیل. راستی این خوب است؟ بله، برای برخی افراد خوب است. منظور من این است که برخی از بچه ها پاهایشان را منفجر می کنند و دوباره به آنها می پوشند. در مورد ماشین های معنوی چطور؟ آیا چیزی در مورد قانون مور می دانید؟ قانون مور اساسا این را می گوید: که هوش رایانه ها هر 18 تا 24 ماه دو برابر می شود. تقریبا هر 2 سال یکبار کامپیوترها هوش خود را دو برابر می کنند. از شما می خواهم در مورد آن فکر کنید. حالا وقتی که من در دبیرستان بودم، درست بعد از جنگ داخلی،

آنها یک کامپیوتر داشتند و اولین کامپیوتر مدرسه ما به این بزرگی بود. بزرگ بود و دو واحد حافظه داشت. بنابراین شما $A2 + B2 = C2$ را انجام دادید، می توانستید $A2$ را انجام دهید، می توانستید $B2$ را انجام دهید اما مقام سوم برای قرار دادن C نداشتید². دو واحد حافظه وجود داشت و کامپیوتر سوراخ 5000 دلار قیمت داشت. حالا چه اتفاقی افتاد؟ در 18 تا 24 ماه از 2 به چه چیزی رسید؟ 4. سپس یکی دیگر از 4 به چه چیزی رفت؟ 8. سپس از 8 تا 16، 16 تا 32، 32 تا 64، و سپس ناگهان شروع به بالا رفتن می کند. پس بعد از مدتی چه اتفاقی می افتد؟ حالا به یک مگابایت می رسد، به 2 مگابایت می رسد، به 4 مگابایت می رسد، 16، و حالا ناگهان ما چه کار می کنیم؟ گیگابایت و از 1 گیگابایت به 2 گیگابایت، به 4 گیگابایت، 4 به 8، به 16 و به 32 می رود. و اکنون ما ترابایت دریافت می کنیم. یک ترابایت به 2 ترابایت، 4 ترابایت می رسد و هر 18 ماه هوش آن دو برابر می شود. سوال، آیا یک کامپیوتر می تواند یک انسان را در شطرنج بازی کند؟ آیا کامپیوتر می تواند برنده شود؟ بله، بنابراین آنها می توانند یک کامپیوتر را برای برنده شدن در شطرنج برنامه ریزی کنند. کامپیوتر مدام باهوش تر و باهوش تر می شود. آیا سریعتر از شما باهوش تر می شود؟ بله. بنابراین چیزی که ری کرزویل در MIT می گوید این است که این چیزهای اینجا کربن است. این کربن است و این چیزهای اینجا فقط خیلی خوب کار می کنند. هوش رایانه ها مدام دو برابر می شوند و آنچه او پیشنهاد می کند این است که تا سال 2025 رایانه ها باهوش تر از شما خواهند بود. من خواهم مرد، اما از شما باهوش تر خواهد بود. چرا؟ هوش یک کامپیوتر همیشه دو برابر می شود. آنچه او می گوید این است که کربن تاریخ است. چیزی که او می گوید این است که آینده سیلیکون است. آنچه اتفاق خواهد افتاد این است که رایانه ها تا سال 2020 یا 2025 از نظر هوشمند از نظر ما پیش خواهند رفت. شما بچه ها زنده خواهید بود، چی؟ 10 تا 15 سال دیگر که این نوع چیزها اتفاق می افتد. آیا در حال حاضر ربات هایی دارید که بتوانید با آنها صحبت کنید و به آنها بگویید که فعالیت ها را انجام دهید؟ حالا آیا آنها واقعا در این مرحله بسیار احمق هستند؟ بله، و این چیزی است که او می گوید، آنها در مورد هوش یک پشه هستند. اما چه فایده ای برای آنها دارد؟ هر دو سال یک بار دو برابر می شوند. آیا می بینید که به کجا می رود؟ در نهایت، آیا ما کامپیوتری احتمالا به عنوان ربات هایی خواهیم داشت که بتوانند در گفتگوی آزاد با شما صحبت کنند؟ در واقع آیا آنها باهوش تر از شما خواهند بود؟ این جایی است که ما به آن می رویم. پس انسان بودن به چه معناست؟ وقتی ماشینی باهوش تر از یک انسان دارید؟ انسان بودن به چه معناست؟ بنابراین ما به چشم انداز تکنولوژیکی نگاه می کنیم و می گوئیم، "وای، چیزهای بسیار بزرگی در حال رخ دادن است. حال کتاب مقدس در این مورد چه می گوید. این آیه ای است که برای درک معنای انسان بودن بسیار مهم است. وقتی خدا در فصل اول پیدایش انسان ها را می آفریند، این چیزی است که او می گوید. این یک آیه بزرگ است که بسیار مهم و معنادار است. خدا می گوید، "بگذارید" آیا می گوید "بگذارید" انسان را بسازم؟ نه. او می

گوید، "بیباید انسان را به صورت خود و به شباهت خود بسازیم. و بگذارید آنها چه کاری انجام دهند؟" قانون. "پس آیا انسان برای حکومت طراحی شده است؟" بگذارید آنها بر ماهی های دریا و پرندگان هوا و چهارپایان و تمام زمین و تمام موجوداتی که در امتداد زمین حرکت می کنند حکومت کنند. بنابراین خدا انسان را به صورت خود آفرید. او او را به صورت خدا آفرید، مرد و زن آنها را آفرید. "انسان به صورت خدا آفریده شده است. آیا حیوانات به صورت خدا آفریده شده اند؟ نه، انسان به تنهایی به صورت خدا آفریده شده است.

ی. ۴ جنبه از تصویر خدا در نوع بشر [41:45-31:58]

پس سوال این است: تصویر خدا به چه معناست؟ این چیست؟ بنابراین من می خواهم چهار جنبه از این تصویر از خدا را مرور کنم. این جنبه ها با هم ترکیب می شوند و متقابلاً منحصر به فرد نیستند، آنها با هم همپوشانی دارند. اما فقط چهار جنبه از تصویر خدا. اجازه دهید ابتدا چهار مورد از آنها را مرور کنم، سپس آنها را به تفصیل پوشش خواهیم داد. اول، انسان ها ویژگی های معنوی و اخلاقی. انسان دارای ویژگی های معنوی و اخلاقی است. درست قبل از اینکه به آنجا برسیم، یک خرس گریزلی در پارک یلوستون وجود داشت. یک خرس گریزلی یک انسان را می خورد، یک انسان را می کشد. آیا آن خرس گریزلی غیر اخلاقی است؟ یک خرس گریزلی ماهی قزل آلا می خورد، آیا خرس گریزلی غیر اخلاقی است؟ آیا خرس های گریزلی چیزهایی می خورند؟ آیا این کاری است که آنها انجام می دهند؟ اخلاقی است یا غیر اخلاقی؟ این کاری است که خرس های گریزلی انجام می دهند. این پاسخ خوبی است، غیر اخلاقی است. این اخلاقی نیست. به عبارت دیگر، در آن دسته کار نمی کند. یک خرس گریزلی، شما نمی توانید به یک خرس گریزلی سخنرانی کنید و او را به زندان بیندازید و بگویید که به خاطر خوردن این مرد به مدت پنج سال زندان می روید. منظوری این نیست که در مورد آن سبک شوم. بدیهی است که آن مرد کشته شد و همسرش نجات یافت و واقعا بد است. اما سوال: آیا شما با یک حیوان سر و کار دارید؟ حیوان حس درست و غلط را ندارد. همانطور که او گفت، غیر اخلاقی است. حالا اگر انسانی کسی را بخورد. آیا این یک مشکل است؟ آیا او قصد دارد مرا با این "این یک عمل غیر اخلاقی بود" بزند؟ حالا می توانیم بگوییم که غیر اخلاقی است. آیا ما مردم را می خوریم؟ اگر مردم را بخورید، آیا این مشکل است؟ این یک مشکل است. حالا، آیا حتی در اخلاقیات تفاوتی وجود دارد، آیا تفاوتی وجود دارد اگر کسی شخص دیگری را بخورد، ما می گوییم این یک مشکل است. آیا سطوح مختلفی از اخلاق وجود

دارد؟ برای مثال، پسر و وقتی جوان بود، قرار بود پسر در یک مطالعه کتاب مقدس با Child of Evangelism Fellowship باشد. آنها در حال مطالعه کتاب مقدس در محله بودند. من به خانه می آم، پسر در محله دوچرخه سواری می کند و من به روش دیگری آمدم. بنابراین او نمی دانست من از کجا آمده ام. او به خانه می رسد و من می گویم، "هی، بشارت انجیل کودک چطور بود؟" او می گوید: "اوه،

بله، پدر عالی بود." من می گویم، "اوه واقعا؟ آنها چه نوع داستانی گفتند؟" و می بینید که چشمانش را اینگونه می چرخاند. "نوح و طوفان، نوح و طوفان بود." بنابراین او شروع به گفتن در مورد نوح و طوفان می کند. او این داستان را می سازد. آیا پسر من دروغ گفت؟ اساسا آیا همه بچه هایم به من دروغ گفته اند؟ صادقانه بگویم، بله. بنابراین پسر من را می بینم که به من دروغ می گوید. آیا این در همان سطح آدم خواری است؟ آیا می گویند، کمی متفاوت است. برخی می گویند: همه گناهان یکی هستند. خوب، سپس می توانید ابتدا به سراغ آدمخواران بروید، زیرا اگر همه آنها یکسان باشند، نباید مشکلی با آن داشته باشید. اما چیزی که من می گویم این است که می دانید پسر من چنین دروغی به من می گوید، آیا اشتباه بود که پسر من دروغ گفت؟ بله. چیزهایی وجود دارد که باید با آنها کنار بیایید، اما آیا این با خوردن کسی متفاوت است؟ من می گویم که تفاوت هایی در آنجا وجود دارد، بنابراین شما باید مراقب و فهیم باشید. [دانش آموز صحبت می کند] او می گوید همه آنها یکسان هستند اما عواقب متفاوتی دارد و من می خواهم بگویم، نه. بله، عواقب آن مطمئنا متفاوت است. او درست می گوید که عواقب آن متفاوت است. بله، عواقب آن تا حد زیادی متفاوت است. اما می خواهم این را نیز بگویم. به عبارت دیگر، آیا در درون شما واکنش متفاوتی وجود ندارد اگر کسی قرار است آدمخوار باشد در مقابل دروغ گفتن در مورد شرکت در مطالعه کتاب مقدس. چیزی که من می گویم این است که به آن رسیدگی کنید. بله، هر دو گناه هستند. اول از همه، آنها هر دو گناه هستند و اینجاست که هر دو گناه هستند. اما من می خواهم تشخیص دهم، چگونه باید بگویم. آیا روده شما به شما نمی گوید که آدم خواری بدتر از این است که پسر من به من دروغ بگوید؟ روده شما باید چیزی در این مورد به شما بگوید و اگر اینطور نیست، وقتی مرا پایین می آورید، نمک و فلفل می خواهم. به هر حال، متأسفم... بنابراین بحث بزرگی در این مورد وجود دارد و ما روی آن کار خواهیم کرد. حالا، بله. (دانش آموز صحبت می کند) بله، و این چیزی است که او فشار می آورد که همه گناهان یکسان هستند. اما چیزی که من می گویم این است که شما واکنش های متفاوتی را از مردم و خدا در مورد گناهان مختلف خواهید دید. به عبارت دیگر، آیا خدا واقعا به خاطر برخی از گناهان در مقابل گناهان دیگر یخ زده خواهد شد. به هر حال، همه آنها گناه هستند و همه آنها گناهانی هستند که می توانند شما را به جهنم لعنت کنند. اما آیا واکنش خدا با برخی از آنها از نظر زمانی که عهد عتیق را مرور می کنیم متفاوت است؟ شما یک واکنش قوی واقعی برای برخی از گناهان خواهید دید و نه برای برخی دیگر. من می خواهم سعی کنم با آن کنار بیایم. من می خواهم سعی کنم آن را درک کنم تا بتوانم خدا را بهتر درک کنم، اما نکته بسیار خوبی است. حال حاضر **رابطه های** به سادگی به این معنی است که بخشی از تصویر خدا رابطه ای است. که "بگذارید انسان را به صورت خود بسازیم"؛ در آنجا کثرت وجود دارد و بنابراین بخشی از تصویر رابطه ای است. سلطه و حکومت، که تصویر خدا ربطی به ما به عنوان انسان هایی دارد که حکومت می کنیم و داریم **دومینیون** بر روی زمین.

ما می خواهیم به آن نگاه کنیم **جنبه قانون** و چگونه کار می کند. به هر حال، آیا می توانید انحراف این را ببینید، که مردم حکومت می کنند؟ آیا مردم سعی می کنند بر دیگران حکومت کنند؟ آیا قدرت فاسد است؟ قدرت مطلق مطلقا فاسد می شود. بنابراین آنچه شما در اینجا دارید بشریت است، نوع بشر گناهکار، این قانون را می گیرد و سعی می کند از آن برای تسلط استفاده کند و این یک مشکل واقعی است. این یکی من سخت ترین زمان را برای فروش به شما بچه ها خواهم داشت. چیزی که من سعی می کنم پیشنهاد کنم این است که **ما در واقع از نظر جسمی شبیه خدا هستیم**. برای خدا فیزیک وجود دارد و ما شبیه خدا هستیم. شما می گوئید، "هیلدبراند، آیا خدا یک پیرمرد طاس است؟" نه. ما شبیه خدا هستیم، سعی می کنم بگویم تا آنجا که انسانیت ما وجود دارد، نه در ویژگی های پیر و چاق بودن.

حالا بیایید روی این کار کنیم. ویژگی های معنوی - توانایی انتخاب های اخلاقی. نوع بشر به صورت خدا آفریده شده است. به او توانایی انتخاب های اخلاقی داده می شود. حیوانات انتخاب های اخلاقی را که ما می دانیم انسان قادر به انجام آن است، انجام نمی دهند. از کجا می توانیم مدرکی برای این موضوع پیدا کنیم؟ ما به عهد جدید می رویم و واقعا جالب است. کولسیان در عهد جدید به موازات کتاب افسسیان است. همپوشانی زیادی بین کولسیان و افسسیان در عهد جدید وجود دارد. بنابراین ما یک متن موازی بین کولسیان 3: 10 و افسسیان 4: 24 داریم. می گوید: "و خود جدیدی را که در دانش به صورت خالق خود تجدید می شود، پوشیده ام." به تصویر خالق آن، در چه چیزی تجدید می شود؟ "در دانش"، آیا انسان توانایی دانستن را دارد؟ ما توانایی دانستن را داریم و به صورت مسیح تجدید می شویم. می بینید اینجا چه اتفاقی می افتد؟ آیا تصویر نیاز به تجدید دارد؟ تصویر در پاییز آسیب دیده است و سپس تصویر نیاز به تجدید دارد. در اینجا در افسسیان می گوید: "و خود جدید را بپوشم که آفریده شده تا مانند خدا باشد." ما آفریده شده ایم تا مانند خدا باشیم. چگونه ما مانند خدا هستیم؟ «در عدالت و قدوسیت واقعی». آیا انسان می تواند مقدس باشد؟ بگذارید ابتدا اینگونه بگویم: خدا مقدس است؟ "قدوس، قدوس، مقدس خداوند متعال است." خدا قدوس است. آیا انسان ها ظرفیت مقدس بودن را دارند؟ بله. خدا می گوید: «مقدس باشید، زیرا من یهوه خدای شما مقدس هستم.» عدالت با شرارت مخالف است. آیا انسان ها موجوداتی با اخلاق هستند؟ آنها ظرفیت عدالت را دارند. آیا آنها نیز ظرفیت شرارت را دارند؟ بنابراین او می گوید که به صورت مسیح تجدید شوید. تصویر مسیح مانند این است که مانند خدا "در دانش واقعی، عدالت و قدوسیت" آفریده شود. من معتقدم که این در اعتراف به این شکل است. بنابراین اینجاست که ما متوجه می شویم که اساسا یک جنبه معنوی-اخلاقی وجود دارد. انسان ها از نظر معنوی و اخلاقی مانند خدا آفریده شده اند: ما می توانیم بدانیم، می توانیم عادل یا ناعادل باشیم، می توانیم مقدس باشیم و می توانیم نامقدس باشیم. اما ما این ظرفیت را داریم که مقدس، عادل و بدانیم. بنابراین این جنبه اخلاقی تصویر بر اساس این آیات است. حالا، چه اتفاقی افتاد وقتی سقوط اتفاق می افتد، وقتی آدم و حوا در

گناه می افتند. آیا تصویر خدا را از دست دادیم؟ جیمز به ما می گوید - نه، اما ممکن است تصویر خدشه دار شده باشد. تصویر ممکن است خدشه دار باشد اما ما آن را به طور کامل از دست ندادیم. بنابراین یعقوب فصل 3 آیه 9 می گوید: «با زبان خداوند و پدر خود را ستایش می کنیم و با آن مردانی را که به شکل خدا آفریده شده اند لعنت می کنیم». یعقوب می گوید: انسان ها هنوز به شکل خدا آفریده شده اند، بنابراین نباید آنها را نفرین کنید زیرا آنها به شکل خدا و به صورت خدا آفریده شده اند. آیا این بدان معناست که همه افراد در این کلاس به صورت خدا آفریده شده اند؟ بله. آیا این باید بر نحوه رفتار ما با یکدیگر تأثیر بگذارد؟ بله. آیا این بر نحوه رفتار من با شما به عنوان شاگردانی که به صورت خدا آفریده شده اند تأثیر می گذارد؟ بله. آیا این تأثیر می گذارد که چگونه با من به عنوان کسی که به شکل خدا آفریده شده است رفتار می کنید؟ این باید بر نحوه رفتار شما با مردم در پاسخ به این موضوع تأثیر بگذارد. مردم هنوز به صورت خدا آفریده می شوند، اما خدشه دار است و پیامدهایی دارد. بعداً در مورد پیامدهای آن بیشتر صحبت خواهیم کرد.

ک. جنبه رابطه ای تصویر خدا [49:46-41:46]

حال، جنبه دیگری از تصویر خدا، "ما بودن" تصویر خدا است. "ما بودن" آن یا جنبه رابطه ای از آن این است که "بیایید انسان را به صورت خود بسازیم." "ما" مفرد است یا جمع؟ جمع. "بیایید انسان را به صورت خود بسازیم." بنابراین ما به صورت خدا به عنوان یک "ما" آفریده شده ایم. انسان برای رابطه ساخته شده است و بنابراین شما این کثرت را چگونه درک می کنید که "بیایید انسان را به تصویر خود بسازیم"؟ راه های مختلفی وجود دارد که می توانید آن را درک کنید و این نوع از برخی از آنها عبور می کند. بگذارید فقط با جمع عظمت شروع کنم. آیا مادرت تا به حال به تو گفته است: "ما تصمیم گرفته ایم که تو نباید به این مکان بروی؟" "ما تصمیم گرفته ایم" و فرض این است که این پدر و مادر هستند که تصمیم می گیرند اما در واقع این مادر تصمیم می گیرد و او می گوید "ما تصمیم گرفته ایم." اما آیا او می تواند این را بگوید زیرا او مادر است و مفهوم این است که پدر آنجا است. وقتی پادشاه می گوید: "ما تصمیم گرفته ایم"، آیا واقعا پادشاه تصمیم می گیرد، اما آیا پادشاه می تواند از "ما" استفاده کند و ما آن را "ما سلطنتی" می نامیم؟ آیا پادشاه می تواند این کار را انجام دهد؟ بله. مثل این است که پادشاه می گوید: «ما تصمیم گرفته ایم»، در واقع فقط خودش است اما او پادشاه است. در زبان عبری آنها چیزی به نام جمع عظمت دارند. در انگلیسی ما مفرد داریم که به این معنی است که شما یک مورد دارید. جمع به چه معناست؟ دو یا بیشتر. بنابراین ما از جمع برای تخصیص تعداد چیزی استفاده می کنیم، خواه مفرد باشد یا جمع، اعداد چندگانه. در زبان عبری، آنها مفرد و جمع را انجام می دهند، اما همچنین وقتی چیزی واقعا واقعا بزرگ است، از جمع نیز استفاده می کنند. این جمع عظمت است. پس شما چه چیزی خواهید داشت؟ "چیزها" و اگر بخواهید بگویید که چیزها واقعا بزرگ بودند، می گویند چه؟ "مواد." شما یک "s"

روی آن می گذاشتید تا اینطور شود. حالا برای ما، وقتی می گوئیم "مواد" به معنای "چیزها" زیادی است. اما وقتی می گویند "مواد" و "چیزها" ممکن است واقعا منظورشان این باشد که این "چیزهای بزرگ" است. متاسفم، احتمالا باید از کلمه دیگری در اینجا استفاده می کردم. اما به هر حال، آیا می دانید من با جمع عظمت چه می گویم؟ به عبارت دیگر، آنقدر بزرگ است که "بگذارید انسان را بسازیم". خدا که به نوعی "ما" صحبت می کند، جمع عظمت و عظمت است. این امکانی است که بر اساس دستور زبان عبری برای اینکه چرا از جمع "بیایید انسان را بسازیم" استفاده می شود. فکر می کنم در اینجا احتمالات بهتری وجود دارد - «دربار بهشتی». آیا کسی اشعیا فصل 6 را به یاد می آورد؟ خدا در برابر آسمانی خود است و خدا این سوال را می پرسد: "چه کسی برای ما خواهد رفت؟" در آنجا از جمع استفاده می شود. خدا با این موجودات آسمانی صحبت می کند، "چه کسی برای ما خواهد رفت؟" اشعیا می گوید: "من خداوند، مرا بفرست." آیا کسی ایوب را به یاد دارد؟ در کتاب ایوب، فصل اول، خدا در آن بالا است و اساسا می گوید: "آیا شما بنده من را ایوب می دانید؟" و او با گروه در برابر آسمانی صحبت می کند. یک "ما" آنجا وجود دارد و "شیطان" می گوید، "خوب، ایوب خوب است اما او فقط به این دلیل خوب است که شما او را با همه این چیزها برکت می دهید. بگذارید آن را بردارم و او به صورتت نفرین خواهد کرد." پس این "ما" از دربار آسمانی است، آیا این منطقی است؟ "بیایید انسان را به صورت خود بسازیم"، که خدا در برابر آسمانی صحبت می کند. من فکر می کنم این موضوع هم در ایوب 1 و هم در اشعیا فصل 6 تأیید شده است. من می خواهم یک علامت مثبت در اینجا قرار دهم که نشان می دهد فکر می کنم این دیدگاه شانس خوبی برای آن دارد. حالا شاید خدا با خودش صحبت می کند. آیا تا به حال با خودتان صحبت کرده اید؟ "چه کار می خواهیم بکنیم؟" "آیا باید این کار را انجام دهیم یا آن؟ اگر این کار را انجام دهیم، همه این عواقب وجود خواهد داشت. اگر این کار را انجام دهیم، همه این عواقب وجود خواهد داشت. چه باید بکنیم؟" آیا تا به حال با خودتان صحبت کرده اید؟ بسیار خوب، شما بچه ها با خودتان صحبت نکنید. به هر حال، من با خودم صحبت می کنم. بنابراین می توانید از **مشورت شخصی**، "چه کاری باید انجام دهیم" در درون خودتان. به هر حال، آیا کتاب مقدس چنین تفکر شخصی دارد؟ تقریبا هرگز، صادقانه بگویم، در حال حاضر نمی توانم متنی را به شما بگویم که در آن شما این را با خدا در حال صحبت با خودش دریافت می کنید. بنابراین فکر می کنم مشورت شخصی ساختگی است. این اشتباه است. این به ندرت در کتاب مقدس اتفاق می افتد، بنابراین فکر نمی کنم شما بخواهید آن راه را طی کنید. برخی از مردم می گویند که "بیایید انسان را به صورت خود بسازیم" تثلیث است: پدر، پسر و روح القدس. این بحثی در میان الوهیت است: پدر، پسر و روح القدس. "بیایید انسان را به صورت خود بسازیم" این تثلیث است. بسیاری از مردم این را پیشنهاد می کنند و من آماده نیستم که بگویم اشتباه است، اما از شما می پرسم: آیا موسی تثلیث را درک می کرد؟ آیا موسی پدر، پسر و روح القدس را درک می

کرد؟ در واقع، در زمان عیسی، این 1200-1400 سال بعد است، آیا آنها پدر، پسر و روح القدس را درک کردند؟ وقتی عیسی گفت که او پسر خداست، آیا آنها می خواستند او را سنگسار کنند و بکشند؟ بنابراین چیزی که من می گویم این است که تثلیث در آن زمان چقدر خوب درک می شد؟ فکر نمی کنم موسی سرخی در مورد تثلیث داشته باشد. بله، او می توانست داشته باشد، اما مشکل این است که هیچ نمی دانست. فرض کنید خدا تثلیث را به موسی نشان داد، اما وقتی موسی از کوه پایین می آید، هیچ یک از آن افراد نمی دانند که او در مورد چه چیزی صحبت می کند، زیرا خدا در عهد عتیق یکی است. خداوند خدای ما یکی است و آنها واقعا آن را تحت فشار قرار می دهند. بنابراین مطمئن نیستم که او چقدر تثلیث را می شناخت. بنابراین چیزی که من می گویم این است: آیا موسی این را خیلی درک می کرد؟ به هر حال، آیا کلیسا 300 سال طول کشید تا تثلیث را بفهمد؟ کلیسای اولیه واقعا بر سر تثلیث کشتی می گرفت. بنابراین چیزی که من می گویم این است که نمی دانم موسی چقدر تثلیث را در "بیابان انسان را به صورت خود بسازیم" درک کرد. می تواند باشد. من نمی خواهم آن را حذف کنم، اما تنها چیزی که می گویم این است که باید به جای موسی برگردم. چیزی که من می خواهم پیشنهاد کنم این است که اگر شروع به گفتن کنید که موسی چیزهایی را می نویسد که هیچ سرخی از آنها ندارد، باید مراقب آن باشید زیرا ممکن است او بهتر از آنچه می دانست نوشته باشد. اما من باید دلیل خوبی برای آن داشته باشم. به عبارت دیگر، اگر او در آینده چیزی به شما بگوید، ممکن است بهتر از آنچه می دانست نوشته باشد. من نمی خواهم این احتمال را از بین ببرم. من فقط می گویم که فکر نمی کنم او تثلیث را درک کرده باشد. آیا او دربار آسمانی را درک می کرد؟ بله، زیرا فرهنگ های دیگر نیز ایده های دربار بهشتی داشتند. بنابراین ایده دربار آسمانی با توجه به چارچوب تاریخی که او در آن می نوشت طبیعی تر به نظر می رسد. حالا، به هر حال، آیا ممکن است که این نیز اشتباه باشد. من آنجا نبودم، منظورم این است که پیر هستم اما آنقدر پیر نیستم. بنابراین چیزی که من می گویم این است: من آنجا نبودم، نمی دانم. بنابراین من می خواهم تثلیث را نگه دارم، اما آن را در پشت مشعل قرار دهم. من می خواهم دربار آسمانی را جلو بیاورم. اما هر یک از اینها گزینه هایی خواهند بود. آیا می توانیم این کار را انجام دهیم، بگوییم نمی دانیم، اما این دو گزینه معتبر هستند. این یکی انگشت شست به پایین می آید، این یکی در اینجا امکان پذیر است اما من شک دارم. من فکر می کنم خیلی خاص است. به هر حال، آیا "ما" ما را شکل می دهد؟ آیا این "من" است یا "ما" است که ما را شکل می دهد؟ آیا فرهنگ شما شخصیت شما را شکل می دهد؟ یا پیشینه خانوادگی شما شخصیت شما را شکل می دهد؟ به نقل از کسی، آیا برای ساختن یک شخص به یک دهکده نیاز است؟ آیا برای ساختن "من" به "ما" نیاز است؟ بنابراین آنچه اتفاق می افتد این است که پس زمینه شما شخصیت شما را شکل می دهد. ما از نظر رابطه ای ساخته شده ایم چیزی است که من می گویم. آیا "ما" "من" را می سازد؟ فقط به اطراف نگاه کنید. همه شما بچه ها از مناطق مختلف هستید.

همه شما از پیشینه های مختلف آمده اید و هر کدام شما را به شیوه ای متفاوت از دیگران شکل داده اند، که واقعا شسته و رفته است زیرا همه ما از این نظر منحصر به فرد هستیم. بنابراین "ما" در حال شکل دادن به "من" است. انسان ها برای رابطه ساخته شده اند. حدس می زنم این نکته ای است که می خواهم به آن اشاره کنم. آیا انسان ها برای زمینه "ما" ساخته شده اند؟ بله. ما از یک زمینه "ما" به یک زمینه "ما" ساخته شده ایم. بنابراین روابط می تواند برای تصویر خدا و شکل دادن به آن واقعا مهم باشد.

I. جنبه حکم/سلطه تصویر [54:48-49:46]

حالا، این موضوع در مورد حکم، بیایید به این نگاه کنیم: تصویر خدا حکومت می کند. "بیایید انسان را به شکل خود بسازیم تا حکومت کنیم." در عهد عتیق خدا حاکم است. حالا، اگر بگویم "حاکم"، منظورم از "حاکم" چیست؟ خدا پادشاه است. خدا حکومت می کند، او پادشاه بزرگ است. بگذارید فقط بگویم، خدا پادشاه بزرگ است. او نوع بشر را روی زمین می گذارد تا چه کاری انجام دهد؟ حکومت کردن. آیا ما به جای خدا حکومت می کنیم؟ آیا ما اینطور هستیم، اصطلاحی که من می خواهم "نایب السلطنه" است. رئیس جمهور ایالات متحده بر ایالات متحده حکومت می کند، اما آیا واقعا می تواند بر همه چیز حکومت کند؟ نه. بنابراین شما فرماندارانی در ایالت های مختلف دارید که حکم می کنند. به هر حال، تقریبا همه پادشاهی های بزرگ به این شکل برپا شده اند که در آن شما پادشاه بزرگ را دارید و سپس افرادی دارید که زیر نظر او حکومت می کنند - بر مناطق کوچکی که زیر نظر او حکومت می کنند. بنابراین آنچه شما در این گزارش خلقت دارید این است که خدا نوع بشر را به شکل خود آفرید تا بر ماهی های هوا، پرندگان دریا، و موجوداتی که در اطراف می خزند حکومت کند. ما در واقع به جای خدا بر خلقت حکومت می کنیم. ما "خدایان" کوچکی هستیم که به یک معنا بر بخشی از خلقت او حکومت می کنیم. این روش وحشتناکی برای گفتن آن است، اما آیا نکته را می بینید؟ آیا خدا بخشی از حکومت خود را به ما داده است تا اداره کنیم؟ شاید این راه بهتری برای گفتن آن باشد. آیا خدا بخشی از حکومت خود را واگذار کرده است و ما، به عنوان نایب السلطنه، از طرف پادشاه بزرگ حکومت می کنیم. حالا، چگونه این ثابت می شود. خیلی جالب است. پادشاهان جهان باستان نمایندگانی داشتند که به جای آنها حکومت می کردند. به عبارت دیگر، شما پادشاه بزرگ را خواهید داشت و پادشاه بزرگ در مناطق مختلفی که پادشاه فتح کرده بود، پادشاهان فرعی خواهند داشت. بنابراین پادشاهان شما نمایندگانی خواهند داشت و آنها به جای پادشاه حکومت خواهند کرد. آیا کسی کوروش و داریوش و آن حاکمان پارسی را به یاد دارد؟ آنها اساسا این پادشاهی عظیم را داشتند و از طریق ساتراپ های مختلفی که تحت فرمان آنها به نام کوروش یا به نام داریوش حکومت می کردند، حکومت می کردند. این تقریبا در هر پادشاهی اتفاق می افتد که در آن شما یک پادشاه بزرگ دارید که بر همه چیز حکومت می کند. سپس این فرمانداران هستند، دیپلمات هایی که بر چیز دیگر حکومت خواهند کرد و این همان چیزی است که در دوران آشور

بود. توجه کنید که در پیدایش فصل 1 آیه 26 بر حکم تأکید شده است. حال پیامدهای این امر از نظر معنا و سرنوشت چیست؟ آیا نوع بشر برای حکومت ساخته شده است؟ ما نایب السلطنه خدا هستیم که حکومت او را بر روی این زمین نمایندگی می کنیم. آیا مهم است که چگونه بر خلقت حکومت می کنیم؟ به بشر داده شده است تا بر پرندگان هوا و ماهی های دریا حکومت کند. به بشر داده شده است تا بر زمین حکومت کند. خدا حکومت خود را به ما داده است. بنابراین، آیا انسان ها نیاز به مراقبت از محیط زیست دارند؟ آیا ما به جای خدا بر زمین خوب خدا حکومت می کنیم؟ آیا تفاوتی در نحوه حکومت ما از نظر محیط زیست ایجاد می کند؟ بنابراین، آیا مسیحیان باید در تلاش های محیط زیست شرکت کنند؟ حالا، من واقعا یک درخت بزرگ یا چیزی شبیه به آن نیستم. اما آیا ما برای حکومت بر حیوانات و زمین مباشرت داریم؟ بنابراین مبنایی برای محیط زیست وجود دارد. آیا مبنایی برای محیط زیست به تصویر خدا و این قانونی که ما داریم وجود دارد که خدا در سراسر جهان به ما متعهد شده است؟ بله. شما باید با آن کار کنید. خدا همه چیز را کنترل می کند. اما او مقداری از کنترل و حرکت را به انسان ها متعهد کرده است. اکنون، او هنوز ما را نیز کنترل می کند، اما با این توانایی حکومت مسئولیت های خاصی برای ما به وجود می آید که باید به جای او حکومت کنیم. بنابراین، ما مسئولیت های خاصی در مورد چگونگی آشکار کردن حکومت خدا بر روی این زمین داریم. باید جلال و خوبی خدا را منعکس کند، اما قدرت او را غصب نکند، زیرا او پادشاه بزرگ است. او بر همه چیز حکومت می کند.

M. شباهت فیزیکی به عنوان بخشی از تصویر [61:47-54:49]

اکنون، فروش این یکی سخت ترین خواهد بود. چیزی که من در اینجا سعی می کنم پیشنهاد کنم این است که ما در واقع از نظر فیزیکی شبیه خدا هستیم. حالا شما می گوئید، چگونه این را به دست آوردید؟ خوب، دو اصطلاح عبری وجود دارد: شباهت و تصویر. اصطلاحات شباهت و تصویر عبارتند از: تسلیم و دموت. اگر یک کلمه مطالعه روی این دو کلمه انجام دهید تسلیم و دموت، "تصویر" و "شباهت"، هر دو اصطلاحات بسیار فیزیکی هستند. آنها اصطلاحات اخلاقی نیستند. آنها اصطلاحات بسیار فیزیکی هستند. بنابراین، برای مثال، اجازه دهید یک مثال از اول سموئیل 6: 5 برای شما بزنم، که می گوید فلسطینی ها تصاویر ساختند، تسلیم یا دموت. آنها این تصاویر فیزیکی موش ها را از طلا ساختند. حالا سوال: آیا این موش های طلایی شبیه موش بودند؟ بله، اما آنها از طلا ساخته شده بودند، بنابراین موش های واقعی نبودند. هر چند شبیه موش بودند. آیا می توانید به آن موش طلایی نگاه کنید و بگوئید که این یک موش است اما در طلا است. بنابراین چیزی که من می گویم این است که یک شباهت فیزیکی وجود دارد و ما آن را در اینجا می بینیم. به هر حال، همه شما این را می دانید. آیا در دنیای باستان در اسرائیل، آیا اسرائیلی ها هرگز برای خود "تصاویر" ساختند؟ اگر به شما بگویم "تصاویر"، آیا آن تصاویر تصاویر فیزیکی هستند. آیا آنها تصاویر فیزیکی از داگان، بعل و چموش و برخی از خدایان

باستانی ساختند؟ آنها این تصاویر فیزیکی را از آنها ساختند. آنها تصاویر فیزیکی بودند و سپس مردم در برابر آن تصاویر تعظیم کردند. اتفاقاً تصاویر از چه چیزی ساخته شده بودند؟ ما می دانیم که آنها از چه چیزی ساخته شده اند؟ بله، یک نفر گفت "طلا"، آنها ثروتمندان بودند. اکثر مردم آنها را از چه چیزی ساختند؟ سنگ و چوب. به طور کلی، شما تصاویر خود را از سنگ و چوب می ساختید. اما به هر حال، بیایید از آنجا خارج شویم. اما چیزی که من می گویم این است که تصاویر چیزهایی بودند که فیزیکی بودند. بنابراین چیزی که من می خواهم پیشنهاد کنم این است که این دو اصطلاح در اینجا هر دو اصطلاحات بسیار فیزیکی هستند. "تصاویر" معمولاً چیزی بسیار بسیار فیزیکی بودند. پس چیزی که من پیشنهاد می کنم این است که ما در واقع از نظر جسمی شبیه خدا هستیم. حالا بگذارید آن را یک قدم جلوتر ببرم. فرض کنید من یک پادشاه آشوری هستم، شما خوش شانس هستید که من نیستم. آشوری ها بسیار بسیار بی رحم بودند. آنها هیتلر های دنیای باستان بودند. شما پادشاه بزرگ آشور را داشتید و وقتی او سرزمین جدیدی را فتح کرد، حدس بزنید چه کرد؟ هنگامی که پادشاه آشور قلمرو جدیدی را فتح می کرد، مجسمه ای از خود نصب می کرد. آن مجسمه به چه معناست؟ این بدان معناست که "من پادشاه بزرگ، مجسمه من در مثلاً زوفار یا دمشق است. این بدان معناست که من در دمشق و زوفار پادشاه هستم. بنابراین پادشاه یک تصویر فیزیکی از خود ساخته شده از سنگ قرار می داد. این به نوعی مرا به یاد این می اندازد که آن مرد کیست؟ مردی در عراق بود که این مجسمه بزرگ از خودش را داشت؟ آیا به یاد دارید که آنها تصویر صدام حسین را پایین کشیدند. به عبارت دیگر، تصویر به چه معناست؟ من پادشاه این سرزمین هستم. حالا ببینید خدا چه می کند. خدا تصویری از خود می سازد و آن را بر روی زمین می گذارد. آیا این راهی است که خدا حاکمیت و پادشاهی خود را بر زمین اعلام می کند؟ ما آن تصویر خدا هستیم. او ما را در اینجا قرار می دهد تا به جای او حکومت کنیم و شباهت فیزیکی وجود داشته باشد. ما به خدا شباهت داریم. همانطور که پادشاه آشور مجسمه ای می سازد، تصویری می سازد و آن را بر سرزمینی که بر آن حکومت می کند قرار می دهد، اکنون خدا نیز تصویر خود را در ما قرار می دهد و ما را بر روی زمین قرار می دهد تا نماد و حکومت خود را اجرا کنیم. حالا بگذارید این را کمی جلوتر بکشم. ممکن است کسی بگوید، "یک دقیقه صبر کنید هیلدبرانت، عیسی گفت: "خدا یک روح است و روح آنطور که شما مرا می بینید گوشت و استخوان ندارد." پس اگر خدا یک روح است و گوشت و استخوان ندارد، چگونه به صورت فیزیکی خدا آفریده می شویم؟ شما گفتید که واقعاً روی این چیز در مورد فیزیک بدنی کمپینگ کرده اید. اما خدا یک روح است، او آفریده نشده است، او گوشت و استخوان ندارد." می خواهم به عیسی فکر کنید. آیا عیسی شکل انسانی به خود گرفت؟ بله، او این کار را کرد. آیا او فقط به عنوان یک انسان ظاهر شد یا از نظر جسمی انسان بود؟ او یک انسان بود. وقتی عیسی کشته شد، آیا واقعاً به عنوان یک انسان مرد؟ او درگذشت. وقتی او پس از مرگش زنده می شود، آیا

عیسی فقط به عنوان یک روح برخاست یا عیسی از نظر جسمی برخاست. در واقع، او به این موضوع می رود که نام آن مرد چه بود؟ او می گوید، "هی، آن را بررسی کنید، انگشتانت را اینجا بگذارید. انگشتانت را به پهلوی من بگذار. این من هستم، این من هستم، من مصلوب شدم." یادت هست که به توماس شک داشتید؟ بنابراین او به توماس می گوید... اتفاقاً عیسی بعد از رستخیز نشست و با شاگردانش غذا خورد؟ بله. پس آیا عیسی پس از رستخیز فیزیکی بود؟ آیا رستخیز فیزیکی بود؟ آیا عیسی تا ابد در بدن انسان خواهد بود؟ آیا عیسی از مردگان برخاست و آیا تا ابد در بدن انسان زنده است؟ عیسی، در آینده، و اکنون چند هزار سال می گذرد، او هنوز برای ابدیت در بدن انسان است. آیا ممکن است که عیسی قبل از خلقت در بدن انسان یا مانند بدن انسان بوده باشد و ما به صورت مسیح آفریده شده ایم، جسمانی که در آن آفریده شده ایم تصویر مسیح بوده است. بنابراین، آیا مسیح می تواند انسان شود زیرا ما با هم سازگار هستیم. آیا عیسی می تواند سگ شود؟ آیا عیسی سگ می شود؟ می دانید من چه می گویم؟ آیا سگ ناسازگار است؟ آیا او می تواند انسان شود؟ بله. او می تواند زیرا سازگاری در آنجا وجود دارد. بنابراین چیزی که من می گویم این است که مسیح، از ازل یک "شکل انسانی" داشت و ما به عنوان انسان در آن تصویر آفریده شده ایم. وقتی عیسی نازل می شود، می تواند خود را به یک انسان تبدیل کند. آیا او سازگار است تا بتواند تا ابد اینگونه باشد؟ بله، او با آن سازگار است. آیا این منطقی است؟ بنابراین من استدلال می کنم که ما در واقع شبیه خدا هستیم. شرایط تسلیم و دمویت اصطلاحات فیزیکی هستند. چیزی که من پیشنهاد می کنم این است که ما مانند مسیح آفریده شده ایم. ما به صورت مسیح آفریده شده ایم. آیا بعد از سقوط، با بی اخلاقی و گناهکار بودن مشکلی داریم؟ آیا ما به شکل مسیح آفریده می شویم؟ آیا مانند مسیح بودن سرنوشت ما است؟ بنابراین این جایی است که ما می رویم و بنابراین به یک معنا به باغ برمی گردیم. تصویر خدا در ما است، به دلیل گناه خدشه دار شده است. ما در حال بازگشت به شبیه شدن به مسیح هستیم. اکنون ما در تصویر مسیح ساخته شده ایم، چیزی است که من پیشنهاد می کنم. بنابراین سازگاری وجود دارد.

O. دلالت های تصویر خدا در نوع بشر [64:22-61:48]

حالا می خواهم چند چیز دیگر را در اینجا مطرح کنم. برخی از پیامدها در این مورد وجود دارد که واقعا فوق العاده هستند. به آینده نگاه کنید. اول یوحنا فصل 3 آیه 2 درباره تصویری که به آینده می رود صحبت می کند. "اما ما می دانیم که وقتی او [یعنی عیسی] ظاهر شود، ما مانند او خواهیم بود." وقتی عیسی ظاهر می شود، آیا تغییری در بدن ما رخ خواهد داد؟ "ما مانند او خواهیم بود زیرا او را همانطور که هست خواهیم دید. هر کسی که این امید را به او دارد" کاری را انجام می دهد که؟ -- «خود را پاک می کند». آیا امید به بازگشت مسیح ما را پاک می کند؟ آیا ما خود را به امید بازگشت مسیح پاک می کنیم؟ آیا کسی را می شناسید که در پرتو آمدن مسیح زندگی کرده باشد؟ پدرم پیر بود. یادم می

آید وقتی جوان بودم به سمت پنجره می رفت و تقریباً هر روز به سمت پنجره می رفت. او به سمت پنجره می رفت، از پنجره به بیرون نگاه می کرد و می گفت: "می دانید، عیسی ممکن است امروز برگردد." آیا این زندگی او را شکل داد؟ بهتر است باور کنید که این کار را کرد. آیا او مادرم را دوست داشت زیرا ممکن است مسیح امروز برگردد؟ او احتمالاً به دلایل دیگری نیز مادرم را دوست داشت. آیا او مادرم را دوست داشت؟ بله. آیا پدرم سعی کرد بهترین پدری باشد که می تواند باشد زیرا چه؟ مسیح ممکن است امروز برگردد و من باید با خالق خود روبرو شوم. بنابراین شما یک چیز واقعاً زیبا در آنجا دارید که تغییر شکل می دهد و امید می دهد. چیزی که من می خواهم پیشنهاد کنم این است که آیا امید شما را تغییر می دهد؟ بیایید فرض کنیم همسر من در حال حاضر یک CPA است. فرض کنید شما بچه ها در حال رفتن به تبدیل شدن به CPA. اگر شما شروع به تبدیل شدن به یک CPA در کالج گوردون و شما را در تمام این دوره، امید خود را برای تبدیل شدن به یک CPA شکل چگونه شما یاد بگیرند و آنچه شما یاد بگیرند به دلیل امید خود را؟ شما امیدوارید که بتوانید کاری انجام دهید یا این نوع حرفه یا حرفه را داشته باشید. بنابراین شما مطالعات خود را برای انجام این کار شکل می دهید. آیا امید شکل می دهد که شما چه کسی می شوید؟ آنچه او می گوید این است که ما این امید را داریم که مسیح برگردد و وقتی او را ببینیم مانند او خواهیم بود. تصویر خدا در ما تجدید خواهد شد و ما درست خواهیم شد، وقتی عیسی بازگردد، در برابر او پاک خواهیم شد. آیا این یک امید بزرگ است؟ این یک امید بزرگ است، روزی ما عیسی را خواهیم دید و او ما را به تصویر خود تبدیل خواهد کرد.

P. تصویر در دیگران [72:42-64:23]

حالا، چیزهای دیگری نیز در اینجا وجود دارد. کتاب سی اس لوئیس وزن شکوه من فکر می کنم با این سر و کار دارد. آیا می توانید تصویر خدا را در افراد دیگر ببینید؟ آیا می توانید تصویر خدا را در افرادی که دوست ندارید ببینید؟ آیا آنها به صورت خدا آفریده شده اند؟ آیا خوبی وجود دارد؟ آیا نیکی خدا به نوعی در هر فردی نهفته است؟ آیا ممکن است آنها واقعاً یک فرد شیطانی باشند؟ اما آیا آنها هنوز به صورت خدا آفریده شده اند. من می خواهم دو مثال از این بیاورم و می خواهم اینجا قدم بزنم زیرا می خواهم از کتاب مقدس در مورد این مثال ها دور شوم زیرا آنها خاطرات بدی را برای من به ارمغان می آورند. روزی روزگاری به مکانی به نام دبیرستان گرند آیلند رفتم. در دبیرستان گرند آیلند دختری به نام مابلین بود. مابلین بود، نمی دانم چگونه این را بگویم، او خانه دار ترین دختر دبیرستان بود. مثل این بود که نمی خواستی بنشین یا کنارش باشی چون هر چه دارد به دست می آوردی و آن را نمی خواهید. مثل کوتی یا هر چیز دیگری است. بنابراین همه از Mabeline خودداری کردند زیرا او یکی از دست نیافتنی ها است. آیا همه در مدرسه این دختر بیچاره را مسخره کردند؟ در واقع آنقدر رقت انگیز بود که بعد از مدتی حتی او را مسخره نکردند. اما هیچ نمی خواست در کنار مابلین باشد. سوال: آیا مابلین به

صورت خدا آفریده شده است؟ بله. آیا این مناسب بود که با او اینگونه رفتار کنیم؟ ای کاش تیزتر بودم. من نبودم. من هیچ یک از کارهای بی رحمانه ای را با مابلین انجام ندادم، اما کاری برای معکوس کردن آن هم انجام ندادم. من به عنوان یک مسیحی چه کاری باید انجام می دادم؟ آیا ممکن است با او دوست شوم و به او تصویر خدا را در خود احساس کنم و آن را آشکار کنم. وقتی بچه بودم آنقدر باهوش نبودم که این کار را انجام دهم و از این بابت شرمنده هستم، بد بود. ما در دبیرستان گرند آیلند یک دیدار مجدد داشتیم. این سالها بعد بود. کوین کار، پسری که با او به دبیرستان رفتم، گفت: "هی، تد، مابلین را به یاد دارید؟" چه کسی می تواند مابلین را فراموش کند؟ فقط یک مابلین در مدرسه بود. "مابلین مسیحی شده است. او اکنون یک خواهر در مسیح است." وقتی کوین به من گفت، فکر کردم "گاو مقدس". مردم مسیحی باید با همه مردم با عزت و احترام رفتار کنند. حالا اجازه دهید به مثال دیگری بروم. روزی روزگاری من و همسرم به کنسرت رفتیم. کنسرت مایکل کارت بود. او بعد از جنگ داخلی مردی بود که ترانه های کتاب مقدس را می خواند. بنابراین ما چند بلیط رایگان گرفتیم زیرا آنیتا، دختری که همیشه در خانه ما می ماند و غذای ما را می خورد، اساسا با ما زندگی می کرد. او با این WDCX، یک ایستگاه رادیویی مسیحی بود. بنابراین او بلیط رایگان گرفت. ما باید با همه افراد ممتاز در غرفه بنشینیم. بنابراین همه چیز بود، این طناب قرمز و بخش طناب دار بود. بنابراین ما پایین پریدیم و او طناب را بلند کرد و ما باید درست جلوی آن بنشینیم. مایکل کارت در اینجا کنسرت می داد و یک بلندگوی قدیمی بزرگ اینجا بود. همسرم از موسیقی بلند متفکر است و من جلوی بلندگو نشسته ام. من آن را با صدای بلند دوست دارم زیرا نمی توانم بشنوم. به هر حال، بنابراین من جلوی بلندگو نشسته ام و می گویم این یک کنسرت عالی خواهد بود. او در حدود 15 فوت از ما صحبت می کند. بنابراین ما آنجا نشسته ایم و من فکر می کنم، "مرد، اینها صندلی های خاصی هستند." هر زمان که به کنسرت می روم، معمولا پشت سر می نشینم و باید از دوربین دوچشمی استفاده کنم. بنابراین این بار ما درست در صدر هستیم. بنابراین من آنجا روی صندلی ها نشسته ام و ناگهان این مرد وارد می شود. طناب را بلند می کند و کنارم می نشیند. من فکر می کنم، "این مرد یک شوت بزرگ است، می دانید که همه آنها در اینجا جایی که ما نشسته بودیم شوت های بزرگی هستند. سپس کفش هایش را در می آورد و با پاهای تعقیب کننده اش، پایش را درست اینجا می گذارد. آنها صندلی های تئاتر بودند، او یکی از پاهایش را روی صندلی جلوی و یکی از پاهایش را آنجا می گذارد. این خانم وجود دارد، موهایش کاملا مرتب شده است و او واقعا همه چیز را تزئین کرده است، و این خانم دو پای تعقیب کننده این مرد را مانند شش اینچ از بینی اش در هر صورت دارد که می چرخد. همه شروع به رفتن می کنند: این کمی عجیب می شود، من قبلا هرگز آن را به این بدی ندیده بودم. بنابراین به هر حال، آنیتا پس از آن ظاهر می شود زیرا می داند که آن مرد نباید آنجا می نشست. بنابراین او می دود و از پهلوی پایین می آید. او وارد می شود و شروع به صحبت با آن مرد می کند. حالا آنیتا باید

بدانید که این دختر سرسخت است. نمی دانم چگونه او را توصیف کنم. این دختر زندگی زیادی دیده است. من در مورد چیزهای مهم زیادی صحبت می کنم. او دختر سرسختی است. او پایین می آید و با آن مرد صحبت می کند. نمی دانم آن مرد به او چه گفت، اما ناگهان او شروع به عقب نشینی کرد و دور شد. فکر کردم، "گاو مقدس، من قبلاً هرگز ندیده بودم که او اینطور رفتار کند." نمی دانم او چه گفت اما قبلاً هرگز ندیده بودم که او اینطور عقب نشینی کند. او یک زن جوان بسیار پرخاشگر است. بنابراین او برمی گردد، می نشیند. سپس شروع به صحبت با آن مرد می کنم و آن مرد شروع به گفتن داستانش می کند. او در این تشک لباسشویی بود و 40 نفر از او پریندند. او یک کمر بند مشکی درجه سه دارد و او فقط هر 40 نفر را منفجر کرد. بنابراین من با این مرد صحبت می کنم و همسرم در همین حال به سمت آنیتا خم می شود و می گوید: "اشکالی ندارد، تد با چنین افرادی واقعا خوب صحبت می کند." بنابراین داشتم فکر می کردم: 40 نفر، کمر بند مشکی درجه سوم. معلوم شد که من و پسر من در آن زمان روی کمر بند مشکی خود کار می کردیم. او درجه سه است، این باید جالب باشد و بنابراین او به صحبت کردن ادامه می دهد. او کامپیوترها را از سرش بیرون می آورد. او همزمان 20 کامپیوتر انجام می داد. او از صفحه کلید، ماوس یا هر چیز دیگری یا حتی گفتار استفاده نمی کند. او آنها را از سرش بیرون می آورد، هر بار 20 کامپیوتر. بنابراین او می رود و داستان ها کمی عجیب تر و غریبه تر می شوند. بنابراین در همین حال، در زمان استراحت، اتفاقی که می افتد، همه مردم بلند می شوند، همه آنها رفته اند. من آنجا ماندم و در زمان استراحت با آن مرد صحبت کردم. آنها برمی گردند، ما می نشینیم و کنسرت را تمام می کنیم. در پایان کنسرت، بدیهی است که آیا این مرد مشکلی دارد؟ بله. بنابراین من بلند شدم و گفتم، "من می خواهم قدرت شما را احساس کنم" زیرا او در مورد تمام قدرتش به من می گفت. بنابراین گفتم، "من می خواهم قدرت شما را احساس کنم." بنابراین این مرد مرا در آغوش می گیرد و شروع به فشار دادن من می کند. من در حال فهمیدن این هستم که اگر بد شد چه کاری انجام خواهم داد. من می توانم از خودم مراقبت کنم، من یک پسر بزرگ هستم. او شروع به فشردن من کرد و من گفتم: "من می خواهم قدرت تو را احساس کنم." بنابراین او واقعا شروع به فشار دادن به من می کند. سپس او اشتباه کرد، سعی کرد مرا بلند کند. او مرا از روی زمین بلند می کند و پشتش بیرون می رود. او می گوید: "اوه، پشت من، پشت من." دقیقاً به همین ترتیب، ناگهان تمام اسطوره های این فانتزی باشکوه از بین رفت. شخص بیچاره کمرش را صدمه دید. منظورم این است که من سعی نکردم این کار را انجام دهم. این را از شما می پرسم، آیا او به صورت خدا آفریده شده است؟ آیا باید با او با عزت و احترام رفتار می کردم؟ بله. آیا می دانستید که آن شب خدا به روش های کوچک به من نشان داد که با زندگی ام چه کار کنم. خدا از آن مرد برای برقراری ارتباط با اراده خود برای زندگی من استفاده کرد. اراده خدا چیست؟ آن مرد به من کمک کرد تا آن را حل کنم. چیزی که می خواهم بگویم این است که خدا را برای آن مرد ستایش می کنم. چیزی

که من می گویم این است که مراقب باشید، خدا از طریق انواع مختلف مردم صحبت می کند. کسی که اکنون می شناسم که همیشه در اطراف افراد بی خانمان است و به نوعی مثل این است که آنها در اطراف افراد بی خانمان قدم می زنند، همه این افراد بی خانمان را احمق می کنند. می دانید یکی از آن افراد بی خانمان می تواند عیسی باشد؟ آنها می توانند برای همه چیزهایی که می دانید یک فرشته باشند. بنابراین چیزی که من می گویم این است که وقتی مردم را می بینید با وقار و احترام به آنها نگاه می کنید، حتی اگر آنها در مخمصه زندگی باشند. خدا می تواند از این افراد استفاده کند تا از طریق شما و با شما صحبت کند. چیزی که من می گویم این است: با همه مردم با افتخار و کرامت رفتار کنید. به هر حال، تصویر خدا، آیا این چیز کوچکی است یا این چیز بزرگی است؟ این یک ایده بزرگ است. آنچه من می گویم این است که تصویر باید به ما اجازه دهد تا با دیگران در سراسر انواع مرزها ارتباط برقرار کنیم، زیرا ما نگاه می کنیم و جلال خدا را در افراد دیگر می بینیم. و حتی، به هر حال، آیا ممکن است شخص دیگری حتی نتواند آن را در خودش ببیند؟ آیا می توانید آن را بیرون بیاورید؟ این هدیه ماست. خدا به ما گفت که ما به صورت خدا آفریده شده ایم و وقتی آن تصویر را در افراد دیگر می بینیم می توانیم بیشتر شبیه خدا شویم و به آنها جلال و منزلتی بدهیم که ممکن است هرگز از پدر، مادرشان یا کسی نداشته باشند. ما می توانیم به آنها عزت و احترام بدهیم که به صورت خدا آفریده شده اند. فوق العاده است. این واقعا چیزهای مهمی است. این یک معامله بزرگ است. مردم به صورت خدا آفریده شده اند، این چیز بزرگی است.

س. درخت زندگی [77:32-72:43]

حالا، اجازه دهید به یک موضوع دیگر بپردازم که می خواهیم در اینجا به آن بپردازیم: درخت زندگی. ببینید سعی کنیم به سرعت از این مرحله عبور کنیم. من به شما می گویم چه، آیا شما بچه ها می خواهید بایستید؟ چرا ما کتاب مقدس را به طور کامل اجرا نمی کنیم تا کمی نفس بکشیم. من فقط می خواهم دو درخت را به شما نشانم و روز کار ما تمام خواهد شد. درخت زندگی، وظیفه این درخت زندگی در باغ عدن چیست؟ شما درخت زندگی را در آنجا توصیف کرده اید. آنها از کجا می دانستند که درخت حیات چیست؟ آیا آنها می دانستند مرگ چیست؟ اگر مرگ را درک کنید، می دانید که زندگی در تضاد با آن است. اما اگر واقعا مرگ را تجربه نکرده باشید چه؟ آیا ممکن است قبل از افتادن در گناه مرگ وجود داشته باشد؟ آیا ممکن است که حیوانات قبل از وقوع گناه، قبل از سقوط مرده باشند؟ حالا این چیزی است که باید به آن فکر کرد. من پاسخی در این مورد ندارم، اما یک بار استادی داشتم که سرم را با آن چرخاند و هنوز پاسخ آن را نمی دادم. آیا ممکن است قبل از سقوط؟ آیا آمیب ها چیزهای دیگری می خوردند؟ آیا موجودات کوچک، آیا باکتری ها چیزهایی می خوردند؟ آیا شیرها قبل از سقوط چیزی می خوردند؟ آیا شیرها حیوانات دیگر را می خوردند؟ بنابراین چیزی که من پیشنهاد می کنم این است: آیا

ممکن است که مرگ حیوانات قبل از سقوط وجود داشته باشد و آدم و حوا بدانند مرگ چیست زیرا آنها آن را در دنیای حیوانات دیده اند، اگرچه خودشان آن را تجربه نکرده بودند؟ نمی‌دانم. بنابراین به هر حال فقط آن را در پشت ذهن خود قرار دهید، ممکن است. برخی از مردم فکر می‌کنند که قبل از سقوط مرگ حیوانات وجود داشته است و آدم و حوا اینگونه این را می‌دانستند. سپس با سقوط مرگ انسان را دریافت می‌کنید. بله، سوالی داشتید؟ (دانش آموز صحبت می‌کند) آیا همه می‌بینند که او درایت متفاوتی دارد؟ جالب است. او می‌گوید که آنها گرد و غبار را می‌شناختند، به گرد و غبار باید برگردید زیرا از گرد و غبار آمده‌اید. اما آن گرد و غبار کی بازگشت؟ چه زمانی این را به آنها گفته‌اند؟ بعداً در فصل سوم، اما شاید آنها این را زودتر می‌دانستند، اما ما باید آن را پیش‌بینی کنیم. حالا بیایید در مورد چیزهای دیگری در مورد این درخت فکر کنیم. آیا پیدایش فصل 2 آیه 16 به این معنی است که آنها می‌توانستند قبل از سقوط از درخت حیات بخورند؟ در پیدایش فصل 2 آیه 16 می‌گوید، "و خداوند به انسان امر فرموده است: "تو آزاد هستی که از هر درختی در باغ بخوری." به جز چند نفر، یک یا دو؟ یک. "شما آزاد هستید که از هر درختی در باغ بخورید، اما نباید از درخت شناخت نیک و بد بخورید." آیا این بدان معناست که آنها واقعا می‌توانند از درخت حیات بخورند؟ بله. این بدان معناست که آنها می‌توانند از درخت زندگی بخورند. درختی که آنها نمی‌توانستند بخورند، درخت دانش خیر و شر بود. پس این جالب است. به هر حال، وقتی گناه می‌کنند چه اتفاقی می‌افتد؟ آنها از باغ بیرون انداخته می‌شوند. خدا آنها را پس از گناه از بهشت بیرون می‌اندازد. در فصل 3 آیه 22 این را می‌گوید: "و خداوند گفت، آن مرد اکنون مانند یکی از ما شده است که نیک و شر را می‌داند. نباید به او اجازه داد که دستش را دراز کند و از درخت زندگی بگیرد و بخورد و تا ابد زندگی کند." بنابراین آدم و حوا از باغ بیرون انداخته می‌شوند تا به چه درختی دسترسی نداشته باشند؟ درخت زندگی. بنابراین درخت زندگی در این مرحله از نوع بشر حذف می‌شود وقتی که آنها از باغ بیرون انداخته می‌شوند. حالا چیزی که واقعا برای من جالب است مکاشفه 22 است. وقتی اورشلیم جدید پایین می‌آید و آب‌ها خاموش می‌شوند، حدس بزنید چه درختی دوباره در اورشلیم جدید ظاهر می‌شود؟ درخت زندگی در دو طرف رودخانه دوباره ظاهر می‌شود و در دوازده فصل میوه می‌دهد. دوازده نفر وجود دارد، بنابراین هر ماه از سال میوه می‌دهد و برگ‌ها برای شفای ملت‌ها بودند. آیا درخت زندگی هنوز در اطراف است؟ جایی، نه اینجا. وقتی اورشلیم جدید پایین می‌آید، درخت زندگی آنجاست و ما می‌توانیم در آن شرکت کنیم. بنابراین، به عبارت دیگر، درخت زندگی هنوز وجود دارد و کتاب مکاشفه آن را دارد. به هر حال، آیا کتاب مقدس با این درخت زندگی شروع می‌شود و پس از سقوط ما از درخت زندگی بریده می‌شویم. می‌بینید که بقیه کتاب مقدس اساساً ما را به درخت زندگی باز می‌گرداند. این به نوعی جالب است. کتاب مقدس با این درخت زندگی شروع می‌شود و به پایان می‌رسد.

3. R. نماهای درخت زندگی [80:12-77:33]

حال، در اینجا سه منظره از درخت زندگی وجود دارد. برخی از مردم فکر می کنند که درخت زندگی یک چیز جادویی بود. شما میوه را می خورید و برای همیشه زندگی می کنید. آیا کتاب مقدس کار زیادی با جادو انجام می دهد؟ نه، در واقع معجزاتی در کتاب مقدس وجود دارد. اما معجزات معمولاً برای هدفی وجود دارند. دلیلی وجود دارد، این فقط جادو نیست. بنابراین این منظره جادویی فکر می کنم پایین لوله ها است. برخی از مردم فکر می کنند که بیشتر شبیه غذای سالم بود. به عبارت دیگر، این نوع غذایی عالی بود که متعادل بود. اگر از این درخت زندگی غذا می خوردید، ترکیب غذایی عالی بود. مثل گردو بود، مقدار زیادی امگا 3. بنابراین مقدار زیادی گردو بخورید و برای همیشه زنده خواهید ماند. من فقط شوخی می کنم. گردو برای شما مفید است. غذای سالم کامل، آیا واقعا به نظر می رسد که وقتی زمینه پیدایش را در این مورد می خوانید، غذای سالم کاملی به نظر می رسد؟ نه، باز هم درست به نظر نمی رسد.

در اینجا یک پیشنهاد وجود دارد، این همان پیشنهادی است که من می خرم و فکر می کنم جالب است. درخت زندگی یک شام آخر بود. یعنی با خوردن میوه به شما غذا نمی داد تا برای همیشه زندگی کنید، اما درخت زندگی مانند یک شام آخر بود. وقتی می گویم شام آخر، چه چیزی به ذهن شما می رسد؟ شام مقدس شام خداوند است، عشاء ربانی است. در شام خداوند، عشاء ربانی، شما یک فنجان می گیرید و این فنجان من چیست؟ این خون من از عهد جدید است. سوال، آیا واقعا خون اوست؟ نه، شما آن را می نوشید، آب انگور یا شراب است یا من گاهی آب سیب خورده ام، حتی یک بار کول اید. من Kool-Aid را توصیه نمی کنم زیرا به اندازه کافی نوشیدنی های Kool-Aid در این دنیا وجود دارد. بگذارید برگردم. جام نماد خون مسیح است. کراکر، کراکر (نان فطیر) را می شکنید. "این بدن من است که برای شما شکسته شد،" از این قبیل چیزها. بنابراین نان مخفف بدن او است که شکسته است، خون جام آمیوه. بنابراین آنها برای چیزی ایستاده اند. به هر حال، آیا می توانید آن تصاویر را نقض کنید؟ به یاد داشته باشید که در اول قرن نهم می گوید: "شام خداوند را بی ارزش نخورید." او نمی خواهد تصاویر نقض شود. بنابراین من تعجب می کنم که آیا درخت زندگی نماد زندگی درست و رابطه درست با خدا است و به عنوان یک شام آخر در نظر گرفته می شود. اکنون شما برای همیشه با خدا زندگی می کنید و بنابراین مانند یک شام آخر در نظر گرفته می شود. به جای غذایی که در واقع بدن شما را تغذیه می کند تا برای همیشه زندگی کند، به روشی مقدس مصرف می شود. آیا این منطقی است؟ از شما خوشم آمد. بسیاری از چیزها را حس می کند. بنابراین من آن را به عنوان شام آخر می دانم.

S. درخت دانش خیر و شر [84:17-80:13]

حالا، درخت شناخت خیر و شر کمی مشکل است. آدم و حوا از کجا می دانستند که شر چیست؟

اگر کسی فقط خیر را تجربه کرده باشد و هرگز بدی را تجربه نکرده باشد، به آن نوع انسان چه می‌گوییم؟ خوشبخت است، درست است؟ ما در واقع از اصطلاح "ساده لوح" استفاده می‌کردیم؟ می‌خواستی چی بگویی؟ (دانش آموز صحبت می‌کند) نادان. من می‌خواهم چهره بهتری در این مورد قرار دهم. در واقع، این احتمالا چیزی است که در ذهن من نیز گذشت، اما می‌خواهم از کلمه "ساده لوح" استفاده کنم. آیا ساده لوحی کمی بهتر است؟ به عبارت دیگر، یک فرد ساده لوح است، اگر هرگز شر را تجربه نکرده باشد و شما می‌دانید که چگونه پیش می‌رود. پس "شرارت" برای آدم و حوا قبل از سقوط چه معنایی داشت؟ چرا خدا این درخت را در باغ قرار می‌دهد؟ این درخت شناخت خیر و شر است. اصلا چرا آن را در باغ قرار دادند؟ من چند پیشنهاد در اینجا دارم. یکی این است که من فکر می‌کنم انتخاب برای یک عامل اخلاقی ضروری است. اگر یک عامل اخلاقی هرگز انتخابی نکند، آیا واقعا یک عامل اخلاقی است؟ آیا اهمیت انتخاب را می‌بینید؟ بنابراین درخت آنجا قرار می‌گیرد زیرا انسان‌ها نیاز به انتخاب دارند. آیا این یکی از مشکلات دانشگاه است؟ آیا می‌توان انواع چیزها را به صورت تئوری در دانشگاه مطالعه کرد؟ آیا انتخاب واقعی چیز بسیار متفاوتی است؟ برای انتخاب چیزی، بسیار متفاوت است. آیا می‌توان در مورد جنگ در کالج گوردون صحبت کرد؟ آیا می‌توان در مورد کشتن شخص دیگری در کالج گوردون به صورت نظری صحبت کرد؟ آیا برای پسر که به افغانستان برود و تصمیم بگیرد که آیا ماشه را برای پایان دادن به زندگی کسی بکشد یا خیر، بسیار متفاوت است؟ چیزی که من می‌گویم این است: همه این چیزهای دانشگاهی وقتی تصمیم واقعی برای انجام کاری وجود دارد به نوعی محو می‌شوند. مراقب باشید که شروع به فکر کردن نکنید: چون می‌دانید چگونه از نظر تئوری با چیزها کنار بیایید، زندگی را می‌شناسید و آنچه من می‌گویم "نه" است. کالج برای این کار ساخته شده است و خوب آن است، اما باید بدانید که وقتی واقعا در زندگی واقعی تصمیم می‌گیرید، بسیار متفاوت است. شما عواقب آن را دارید. شما انواع و اقسام چیزها را خواهید داشت. بنابراین مراقب دانشگاه باشید، گاهی اوقات ممکن است به ذهن شما برسد و این بد است. اما با انتخاب کردن، آیا برای تعیین عاملیت اخلاقی خود باید انتخاب‌های واقعی انجام دهید؟ بله. این یکی دیگر است که فکر می‌کنم از نظر انتخاب و عشق مهم است. آیا خدا ما را طوری آفریده است که مجبور شویم او را دوست داشته باشیم یا خدا به ما حق انتخاب داده است؟ خدا به ما حق انتخاب داد. چیزی که من می‌گویم این است: آیا دوست دارید با کسی ازدواج کنید که مجبور به ازدواج با شما است و او چاره‌ای ندارد. آنها مجبور شدند با شما ازدواج کنند. آیا می‌خواهید کسی را دوست داشته باشید که شما را دوست دارد؟ آیا انتخاب کسی که شما را دوست داشته باشد، آیا معنی زیادی دارد؟ بله. بنابراین حدس من این است که خدا می‌گوید، "من آنها را مجبور نمی‌کنم که مرا دوست داشته باشند. آنها می‌توانند این انتخاب را انجام دهند. آیا آنها مرا دوست خواهند داشت یا نه؟" نوع بشر چه می‌کرد؟ حالا شما می‌گویید، "من نمی‌خواهم تو را دوست داشته باشم." به

هر حال، آیا کسی تا به حال این را به شما گفته است؟ آیا تا به حال با دختری بیرون رفته اید و او شما را رها می کند؟ آیا این درد بدی دارد؟ آیا تا به حال بیرون رفته اید، دختر با یک پسر بیرون رفته است و آن پسر فقط دختر را رها می کند؟ این چه احساسی به شما می دهد؟ آیا این طرد شدن ها در هسته وجود شما آسیب می بیند؟ حالا اساسا انسان به خدا می گوید چه؟ "هی، ما تو را نمی خواهیم. ما راه خودمان را انتخاب خواهیم کرد." سوال، آیا این به خدا آسیب می رساند؟ به هر حال، آیا کتاب مقدس توصیف می کند که خدا اینگونه آسیب دیده است؟ بله، اشعیا فصل اول. حزقیال بدترین است. در حزقیال فصل 16، خدا از طرد شدن توسط اسرائیل پس از کمک به آنها و کمک و پرورش و محبت به آنها و تنها کاری که انجام می دهند این است که او را بین پاها لگد می زنند. این به نوعی خلاصه ای از تصاویر آنجا است. بنابراین به نظر می رسد انتخاب و عشق در آن دخیل هستند.

T. مار حقیقت را می گوید؟ — پیدایش 3 [88:40-84:18]

آیا مار حقیقت را می گوید؟ چیزی که می خواهم به شما پیشنهاد کنم این است که مار حقیقت را می گوید. حالا شما می گوئید، "یک دقیقه صبر کنید هیلدبرانت." بیایید این را بخوانیم. می گوید، «اکنون مار»، پیدایش فصل 3، آیه 1 و پس از آن: «و مار از هر یک از حیوانات وحشی که خداوند آفریده بود، حیلۀ گر تر بود.» کلمه "حیلۀ گر" را می توان به عنوان "زیرک" ترجمه کرد. من "زیرک" را بیشتر دوست دارم. «او به زن گفت: آیا خدا واقعا گفته است که نباید از هیچ درختی از باغ بخوری؟ زن به مار گفت: ممکن است از میوه درختان باغ بخوریم، اما خدا فرمود که از میوه درختی که در وسط باغ است نخورید. نباید به آن دست بزنید وگرنه خواهید مرد. مار گفت که مطمئنا نخواهی مرد. زیرا خدا می داند که وقتی آن را بخورید، چشمانتان باز خواهد شد.» سوال، وقتی آن را خوردند، آیا می گوید که چشمانشان باز شده است؟ بله این کار را می کند. آیا شیطان حقیقت را می گوید؟ بله، مار حقیقت را می گوید. بگذارید این را تمام کنم: "چشمان شما باز خواهد شد و مانند خدا خواهید بود." آیا خدا در فصل 3 آیه 22 می گوید: "آن مرد اکنون مانند یکی از ما شده است؟" "چشمان شما باز خواهد شد، مانند خدا خواهید شد و خیر و شر را خواهید شناخت." خدا می گوید، "انسان اکنون مانند ما شده است و خوب و بد را می شناسد." آیا شیطان حقیقت را می گوید؟ بگذارید فقط یک داستان برای شما تعریف کنم: روزی روزگاری دخترم در کلاس ششم بسکتبال بازی می کرد، او با این دختر دیگر بازی می کرد. این دختر دیگر همیشه دروغ می گفت. نه، به طور جدی، او در مورد چیزهایی که حتی اهمیتی نداشتند به همه دروغ گفت. آیا همه در مدرسه می دانستند که این دختر دروغگو است؟ همه آن را می دانستند. سوال، آیا او تا به حال کسی را جعل کرده است یا همه از او انتظار داشتند که دروغ بگوید؟ همه از او انتظار داشتند. تنها کسی که او واقعا فریب داد چه کسی بود؟ خودش. او فکر می کرد که همه را جعل کرده است. همه می دانستند که او چه کار می کند. آیا شیطان همیشه دروغگو است؟ آیا شیطان از کتاب مقدس نقل قول می کند؟

وقتی شیطان در وسوسه بیابان به دنبال عیسی می آید، آیا شیطان از کتاب مقدس نقل قول می کند؟ او مسیح را به قله می برد و می گوید، "خود را به پایین بیندازید، زیرا مزمور می گوید: 'فرشتگانش شما را حمل خواهند کرد.'" شیطان از کتاب مقدس نقل قول می کند. آیا نوشته های مقدس درست هستند؟ بله، آیا شیطان حقیقت را می گوید؟ حالا بگذارید رازی در مورد سم موش به شما بگویم. وقتی سم موش را بیرون می آورید، آن را در همبرگر خوب قرار می دهید. حالا آیا آن همبرگر همبرگر خوبی است که می توانید بخورید؟ نود و نه درصد آن همبرگر خوب است. اما مشکل چیست؟ این یک درصد سم است، موش آن را می خورد و چه چیزی آن را به دست می آورد؟ یک درصد. نود و نه درصد دیگر آن همبرگر سالم خوب است؟ بله. چیزی که من می گویم این است که کسی که حقیقت را می گوید، حقیقت را می گوید، حقیقت را می گوید و با یک دروغ کوچک، آیا این کسی است که مردم را فریب می دهد؟ با شیطان، او حقیقت، حقیقت، حقیقت را می گوید. سوال، در میان حقیقت، آیا او دروغی شرورانه را تعبیه کرده است که آنها را نابود خواهد کرد؟ بنابراین چیزی که من می گویم این است که مراقب باشید. آیا شیطان فرشته نور است یا دارث ویدر است که همیشه شرور است؟ آیا شیطان فرشته نور است؟ آیا او مردم را با گفتن حقیقت فریب می دهد اما در میان آن حقیقت این دروغ نهفته است. بنابراین چیزی که من می گویم این است که شیطان واقعا ظریف، زیرک و حيله گر است. او بسیار شرور است زیرا اتفاقی که می افتد این است که او شر را در چیزهایی مانند حقیقت قرار می دهد. او شر را در چیزهایی مانند درستکاری، نیکی و همه این چیزها تعبیه می کند، اما در درون این چیز ویرانگر است. بنابراین با درخت شناخت خیر و بد، شیطان به این روش مثبت می آید. دفعه بعد به شما می گویم که چه خواهیم کرد: چگونه آدم و حوا در تجربه خود از شرارت بیشتر شبیه خدا شدند؟ پس چگونه توسط آن نابود و نفرین شدند؟ بنابراین دفعه بعد به آن نگاه خواهیم کرد. پس مراقب باشید و پنجشنبه شما را خواهیم دید.

این دکتر تد هیلدبرانت است که عهد عتیق، تاریخ، ادبیات و الهیات را تدریس می کند. سخنرانی شماره شش در مورد شجره نامه ای که با گاهشماری، تصویر خدا و دو درخت در باغ عدن برابر نیست.